

## اعلامیه ک.م سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبریت)

### در نمایش انتخابات و همه پرسی شرکت نکنیم!

محوطه‌نان! دار و دسته رفسنجانی - خامنه‌ای با عجله و شتاب در حال سرم بندی انتخابات ریاست جمهوری و همه پرسی قانون اساسی در عمرداده می‌گذرد. آنچه در آن روز پرگزار می‌شود، نه یک انتخابات و همه پرسی واقعی، بلکه یک نهایش رسوایست انتخابات در شرط‌طیسرکوب و خفتان، بی معناست. آزادی و امنیت همگانی، پیش‌شرط انتخابات واقعی است. اما آنچه سالم‌است وجود ندارد، همین پیش‌شرط است. سران حکومت آزادی و امنیت را از مردم و نیروهای سیاسی کشور سلب کرده‌اند. آنها سازمانهای مترقب را سکوب می‌کنند، اعضاء و فعالین آنها را شکنجه و اعدام کرده و همچنان به جنایات خود داده‌اند. بقیه در صفحه ۳

اعلامیه ک.م سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبریت)

**قرور دکتر قاسملو و همزمانش را محکوم می‌کنیم!**

درباره شهادت دکتر قاسملو

در صفحه ۴

### ☆ ۸ تیر روز رفیقان شجید

یک‌سال از آغاز  
فاجعه ملی گذشت

★ یادواره رفیق شهید تاج الدینی  
صفحه ۴

اعلامیه کمیته کردستان  
سازمان فدائیان خلق ایران  
(اکتبریت)

درباره شهادت  
دکتر قاسملو  
و همزمانش

صفحه ۳



### ضرورت شکستن بن بست مذاکرات صلح

مرزی ایران را در اشغال دارند و نشانه‌ای دایر بر قبض نشینی آنها از این مناطق نیز در دهه نمی‌شود. این تعهد شکنی هر آنچه در خواست کرد که برای رفع بن بست مذاکرات صلح ایران و عراق چاره اندیشی کند، او در این نامه دولت هرات قراط را مانع پیشرفت مذاکرات بخواهد و گفت عراق با این مذاکرات را باین بست گرفتار کرده است. پیکسل از برتری ایش س و آغاز مذاکره بین ایران و عراق می‌گذرد. در این مدت نتیجه بدست آمده فقط آزادی تعداد کمی از اسرا و جنگی دو طرف بوده است که تعداد کل آنها حدود صد هزار نفر برآورد می‌شود. نتیجه بدست آمده در حد نازل است که مذاکرات در بن بست تراویر گرفته بود، دیگر لیل سازمان ملل منحد طرحی مشتمل بر ۴ باده را برای پیشرفت مذاکرات و گشدن راه امدادی دو کشور ناموق بوده است، هلت این امر قبل از ممه بدليل امتتاح دولت عراق از پذیرش تقدار داد ۱۹۷۵ الجزیره یعنوان مبنای مذاکرات و حل و فصل مسائل امور اخلاقیات موزی دو کشور است، عراق نیز حاضر شده است القای یکجاگه قرارداد را پس بگیرد، علاوه بر این نیروهای عراق هنوز بخش هائی از مناطق بن بست مذاکرات وضعیت نه چند و بقیه در صفحه ۱۱

### اصلاحات قانون اساسی

#### باکدام هدف؟

بالاخره شورای بازنگری قانون اساسی که به دستور خمینی تشکیل شده بود، بکار خود پایان داد و آنچه را که خمینی گفته بود و دار و دسته رفسنجانی - خامنه‌ای می‌خواستند، در پشت درهای بسته به تصویب رساند و حال تزار است که مجموعه آن مصوبات را بعنوان اصلاحات قانون اساسی وطنی یک نهایش همه پرسی در روز ۲۷ مرداد ماه به مردم تحمیل کنند. همه پرسی اصلاحات قانون اساسی بحورت آری یا نه انجام می‌گیرد، نتیجه نهایش همه پرسی از قبل تعیین شده و میان نتیجه هم مستقل از رای مردم، پس از نهایش روز عز مرداد توسط سران رژیم اعلام می‌شود.

موضوعات شورا در موضوعاتی است که به شتاب رژیم پس از خمینی مربوط می‌شود و قبل از توسط خمینی تعیین شده‌اند، خمینی که در سرو و سامان بخشیدن به رژیم پس از مرگ شتاب داشت، دستور داده بود بقیه در صفحه ۴

### استبداد آخوندی بست بنیاد و پوشالی است!

۵۶ نفر از مجموع ۷۲ نفری که در "مجلس خبرگان" گرد امده بودند "رایبر مالی" را انتخاب کردند تا بر ۵۵ میلیون مردم ایران حکومت کند و بر مقدرات کشور فرمان باراند. تکلیف مردم هم از نظر خبرگان روش است، سرنوشت آنان و مقدرات کشور در دست خامنه‌ای است و اطاعت مرضی از "رایبر" تکلف شرعی و قانونی همه مردم ایران است، در این رایبر سپرچی از فرامیان خامنه‌ای را می‌گیرد، میتوسیج و بسیار مجازات‌ها اعلام داشتند، توکویی ممه‌آحاد مردم، از هر سخن و سلکی؛ جز بندگانی با طبق رقتی آنای خامنه‌ای نیستند و مقدار چنین است که دیدارهای "بیعت" با خامنه‌ای تحت مشیت اوسی برند. نهایشی از استبداد قرون و سلطانی رژیم آخوندی و در هین حال بروز تازه‌ای از تحقیر هویت انسانی، شخصیت ملی و فناوری فرهنگی مردم ماه توسط آخوندهای حاکم بود،

#### چین:

### تحول اوضاع کارگران معادن سوروی به زیان اصلاحات

صفحه ۹

صفحه ۱۲

### اقتصاد بدون سلاح: اقویی یا واقعیت

صفحه ۱۵

### در نمایش انتخابات و همه پرسی شرکت نکنیم!

در این ارتباط استعفای نایبینده کرج از نایبینده مجلس در خور یاد آوری است، این ناینده اقدامات باند خامنه‌ای رستگانی را لاش برای سلطه یک جناب خاص در حکومت توصیف کرد و در اعتراض به این اقدامات از نایبینده مجلس استعفای داد.

در پس هماوی سپاری که حکومت برای جانداختن آیت الله ارجمند، یعنوان "مرجع معتبر" و "معتبرترین مرجع" برای انداده است نیز نشانه‌های از گسترش اختلاف بین باند خامنه‌ای - رستگانی با مراجع پچشم پیخورد.

منتظر با تجدید سازمان و ترکیب ارگانهای عالی حکومتی، تبلیغات پر سروصدایی پیرامون آیت الله ارجمند برای انداده شد، باند خامنه‌ای - رستگانی او را "شیخ الفقها" و معتبرترین مرجع عداز خمینی معرفی میکند و ممه اندادش متوجه است که برای تضمیر و تائید شرعی تصامیم و اقدامات خود را ایک مرجع حلقة بگوش بترآشد ارجمند که نشان میدهد که برای چنین سمت و مقامهای ارادگی دارد.

جالب توجه است که آیت الله ارجمند، بخطاطی سیاسی یک چهار کمالاً ناشناخته و بی‌نام و نشان است وواردکردن او در معادلات سیاسی، قبل از هر چیز نشانه تمدیداتی است که باند خامنه‌ای - رستگانی برای تعوق اتوریته رهبری سیاسی بر رهبری مذهبی، یعنی درایع، بدان دست یازیده است، بینظیر میرسد که این پدیده در دستگاه اخوندی و بویزه در سطح رهبری مذهبی، مناشایت و کشاکش‌هایی را دارند بنزد، رکاهه در بطن این روشنداش خواهد ای ایت الله بنتجه و حقیقت محدود کردن نقش و زون آیات ظفایی تغییر گلایگانی و مرعشی نیز مشهود است.

باید توجه داشت که روند سرکوب هوازان آیت الله منتظری و منفرد ساختن خود از در دستگاه اخوندی با توت ادامه دارد، ابیشان حکومت حقیقتی را که منتظری از سوی خمینی برگزار کرده بود بر هم زدند، در مطبوعات دولتی نیز بخواه اهانت برای تنها اطلاعیه سوگواری اوران آنهم در جایی نامتناسب از درج کردند، بینظیر میرسد که اکنون آیت الله منتظری بیش از گذشته قادر است نشان دهد که باند خامنه‌ای - رستگانی، نه پایندن از رژیعی اقلاب<sup>۱۱</sup> بلکه تنها و تنها در اندیشه تحکیم موقعیت خود در حکومت مستند این امر برای اشاعه نفوذ آیت الله منتظری رهیمه مساعدهای بویزه در نزد طلب وجودی آورد.

منتظری در پیام خود به خامنه‌ای بعنایت اختباش به مقام رهبری، نوشته بود: "انشا الله در مسائل مهم و سرنوشت ساز مشورت با حضرات آیات عظام و هلا اعلام و شخصیت های متعدد و آکادم مورث توجه خواهد بود"<sup>۱۲</sup>، بی‌اعتنای باند خامنه‌ای - رستگانی، مطابله آیت الله منتظرات را فراهم خواهد آورد.

\* \* \*

تحولات سیاسی بعد از مرگ خمینی منور مراحل آغازین خود را اطی میکند، امام نظره کلی بین تحولات در آن پایه از وضوح و روشنی قرار دارد که میتوان دو راستای اساسی را تمیز داد.

سیاست سیاست بر مذکوب با مجده تلاش‌هایی که برای تراشیدن اعتبار و منزلت مذهبی برای شخص خامنه‌ای صورت می‌گیرد، روند است که بطور گزین‌نایبی که باید به پیشرانه شود انتخاب خامنه‌ای و تغییرات قانون اساسی، مستقل از تناسیری که عاملان این بسته می‌دهند به این روند شتاب می‌بخشد، علم کردن یک مرتع دولتی، بعثت پشوونه شرعی تصامیم و اقدامات باند خامنه‌ای رستگانی در دستگاه رهبری مذهبی یعنی در سطح مراجع تقدیم مسلمانان، قبل از هر چیز بازتاب دهنده مین واقعیت است.

از سوی دیگر پیشتر این روند، در هر ایجاد خلاصه اتوریته مذهبی خمینی که به معیج وجه اخوندگانی حاکم قادر به ساختن بدیلی بر آن نیستند در آرایش سیاسی کنونی و بویزه در شرایط ضعف و پراکنده‌گی جنبش دمکراتیک مردم این زمینه را پدیده اورده که سلطه استبداد آخوندی با تقش دیکتاتور مایانه امثال خامنه‌ای و رستگانی تحریم گرد.

عملای نهاد رهبریت در دستگاه حکومتی به تعریف پیشتر قدرت سیاسی منخر شده است، فهمانگونه که پیشتر یادآور شدیم، خلا نفوذ کلام خمینی اکنون با یکرشته قانونگذاریهایی جبران شده است که کشور را جوانانه دیکتاتورها را غمامه سری چون "راهبری خالی"<sup>۱۳</sup> و "رئیس جمهور"<sup>۱۴</sup> میکند، در آرایش سیاسی کنونی، پی‌آمد طبیعی این امر سلطه باند خامنه‌ای - رستگانی در حکومت آخوندی و انحصار بیش از پیش قدرت در دست

تنظیم کننده روابط بادیگر قوای کشور تثبیت شد آنطور که آفایان تمویب گرده‌اند، دستگاه قضایی کشور و سیله‌ای تحت نظر و راده "راهبری نظام"<sup>۱۵</sup> است و هم او رئیس قوه قضاییه را برای می‌گزیند.

مخصوصه دیگر مربوطه نهادی کردن هیات بازیمندی در قانون اساسی است، با افودن هادهای بازیمندی قانونی اساسی به گروه کوچکی از نایندهان حکومت سپرده شد تابا تائید "راهبری" هر زمان که مصلحت دانستگان تغییرات ضرور را در قانون اساسی بعمل آورند و برای جانی نبودن

قریضه الشبهه همه پرسی هم بگذارند.

ممه این تغییرات، بدن اینکه هیچ بحث خشک و خالی موافق و مخالف، توسط حق جناح‌های حکومت، در مطبوعات و رسانه‌های گروهی در میان باشند، تصویب گردید و قرار هم شد که در عزم داده از مردم در باره از آنها<sup>۱۶</sup> بگیرند، پیداست که چنین نحوه برخورداری

دارای این محرك سیاسی اجتماعی است که سلطه بی‌پرون و چراز باند خامنه‌ای رستگانی رادر حکومت تکمیل ناید، از همین جایی برای این مدد و اعتماد می‌گزیند که همراه خمینی، استداد آنچه ای اینکه می‌گزیند و احصار مکنند

مشناهه با نهاد خامنه‌ای - رستگانی بازیمندی را در دست آخوندها و برخورد دیکتاتور

سرنوشت سیاسی اجتماعی کشور، آن واقعیت است که طی رویدادهای سیاسی اخیر، بخوبی ناخشن و نهاد

آشکار مردم می‌بینند که همراه خمینی، استداد آنچه ای اینکه می‌گزیند و احصار مکنند

نمایندگان حکومت در دست آخوندها به رعاهه آهد و در حال و هوای سوگ و

هزار خانه ای اینکه می‌گزیند و احصار مکنند

بنظر میرسد که پرس خمینی از اینکه با هرگ یار نفوذ

بطور جدی دل نگران است

هم نامه مومن و سرای اهانت بر احمد خمینی به آیت الله

رهبری<sup>۱۷</sup> نفره در مجلس خبرگان، حاکی از اینست که زمینه دلخواهی از احمد خمینی را در هنین حال

گویایی است که تاریخی پرس خمینی از پذیر نهند نشدن طرح شورای رهبری در مجلس خبرگان که پیشنهاد بود و

نیز عضوی از اعضا آن باشد واقعیت دارد.

خود را از دست بدهد و به حاشیه حکومت رانده شود

هم پرس خمینی است که اکنون بی‌پرده و حجاب در

برابر دیدگان مردم ترا رگرفته است.

در شرایط تقدیم خمینی، علیرغم همه تلاش‌های سرمدیاران رژیم، حجاب سنتیتی که نفوذ و انتشار

خدمتی خمینی بر اذهان و دیدگان بازتری بود، به کنار می‌رود و این امکان فرامی‌آید که

توده‌های وسیع مردم با ذهن روشتر و دیدگان بازتری باحیات سیاسی کشور روبرو شوند، در چنین شرایطی اقدامات پیکاره و خودسرانه سرمدیاران رژیم براز

پیشوده‌های خود فرطه ای اینکه پایداری برای اینکه می‌گزیند

تغییرات سیاسی پایداری برای آنها بعده و پیش از اینکه می‌گزیند

## استبداد آخوندی سعیت بنیاد و پوشالمیست!

تعهه از صفحه ۱

دیگری هم خبری دهد.

انتخاب خامنه‌ای، نایاش ترون و سلطانی "بیعت"<sup>۱۸</sup> با او، مخصوصه هیات بازیمندی قانون اساسی و شوامد مربوط به اشغال پست ریاست جمهوری توسط فسجانی منظره

نسبتاً کاملاً از نظام سیاسی حاکم بر کشور بدلست داد، مردم با وضوح و روشنی می‌بینند که در این نظام هیچ اجتماعی بر افعال اراده آنها در تعیین سرنوشت سیاسی

و اجتماعی کشور وجود ندارد، اینکه در دست آخوندهای پوشالمیست

منشانه با نهاد خامنه‌ای - رستگانی بازیمندی قانون اساسی و رفیقانی بازیمندی را در تعیین سرمه‌های اراده آنها در تعیین طی رویدادهای سیاسی اخیر، بخوبی ناخشن و نهاد

آشکار مردم می‌بینند که همراه خمینی، استداد آنچه ای اینکه می‌گزیند و احصار مکنند

نمایندگان حکومت در دست آخوندها به رعاهه آهد و در حال و هوای سوگ و

هزار خانه ای اینکه می‌گزیند و احصار مکنند

بنظر میرسد که پرس خمینی از اینکه با هرگ یار نفوذ

بطور جدی دل نگران است

هم پرس خمینی است که اکنون بی‌پرده و حجاب در

برابر دیدگان مردم ترا رگرفته است.

در شرایط تقدیم خمینی، علیرغم همه تلاش‌های سرمدیاران رژیم، حجاب سنتیتی که نفوذ و انتشار

خدمتی خمینی بر اذهان و دیدگان بازتری بود، به کنار می‌رود و این امکان فرامی‌آید که

توده‌های وسیع مردم با ذهن روشتر و دیدگان بازتری باحیات سیاسی کشور روبرو شوند، در چنین شرایطی اقدامات پیکاره و خودسرانه سرمدیاران رژیم براز

پیشوده‌های خود فرطه ای اینکه پایداری برای اینکه می‌گزیند

حقول انتخابات سیاسی پایداری برای آنها بعده و پیش از اینکه می‌گزیند

نیزه از دنیا اینکه می‌گزیند

تعهه از صفحه ۲

اختیارات اینکه می‌گزیند، ضد دیکتاتیک و مستبدانه

پایداری بیار آورد.

نشانه‌هادر این زمینه، از هم اکنون بسیار گویا می‌گزیند:

نماینده که پیش بینی می‌کردیم، هیات بازیمندی

قانون اسای، تمرکز در دستگاه اجرایی کشور را باز

پست نخست وزیری و افزایش اختیارات ریاست

جمهوری به انجام رساند و اینکه مردم

دیکتاتوری تمام هیئت در اینکه می‌گزیند

توسطیات هایی برای اینکه می‌گزیند

است که سرمه‌های اینکه می‌گزیند

اشکال، به نفس های اینکه می‌گزیند

خلا نفوذ کلام خمینی، اکنون با

تاثیل اینکه می‌گزیند

نیزه از دنیا اینکه می‌گزیند

دستگاه اینکه می‌گزیند

توسطیات هایی برای اینکه می‌گزیند

است که سرمه‌های اینکه می‌گزیند

دوستی اینکه می‌گزیند

</

اعلامیه س.م سازمان فدائیان خلق ایران (اکنونیت)

قرور دکتر قاسملو و همزمانش را محکوم می‌کنیم!

میدهد. آنها حتی به سازمانها و مجامع مذهبی و فیرم‌های  
تبریز اجازه فعالیت قانونی نمیدهند، باز جمله آنها را خود در  
سازمان و انجمن فیرم‌های که در خواست بدیریز نهاده از فعالیت  
قانونی کردند. قطعاً همه چند جریان که آشکار و ابتنی به  
باند حاکمه هستند اجازه فعالیت داده اند در شرایطی که  
مطبوعات و دیگر رسانه‌های گروهی در انتشار سران  
رزیم است و جز شاخوانی برای حکومتگران هیچ حرف و  
سخن دیگری مجال هر شه نمی‌یابد، در شرایطی که مبنی  
اطمینانی به درستی انتخابات واقعی، بلکه یک نمایش از پیش  
برگزار نمی‌شود نه انتخابات واقعی، هرگونه انتخاباتی  
ساخته حکومت است. تازگاینکه چنین شرایطی وجود  
دارد و آزادی و امنیت مردم و مخلوقات سیاسی تامین  
نشده است، هرگونه انتخابات یک باری پوچ و یک نمایش  
موافقیه ایه است.

نقشه و هدف از پیش طراحی شده سران حکومت در  
انتخابات آن است که فرسختان را که برای پست ریاست  
جمهوری و منصب کردند از طریق یک نمایش انتخاباتی  
هر چه سرعتی براین مسند بشانند و با دادن اختیارات  
وسعی باو یکمک اصلاحات را ایجاد کنند. آنها برای دستیابی به این هدف  
فیکار خمینی تامین کنند. آنها برای دستیابی باشند  
حتی کاندیدایی سایر طرفداران حکومت را نیز تحول  
نکردن و اسامی آنان را نیز که مشتمل بر ۸۵ نفر می‌شوند  
باطلخواهی مرمدم هم بر ساندند. سپردهن قمه اختیارات  
به یک نفر و تحمیل یک مستبد، پی آمد این نقشه شوم  
است.

هم میهستان مبارز و آزادخواه ای  
سران روزم در تعقیب اهداف خود، همه پرسی  
صلاحات قانون اساسی را یزیر با انتخابات معمراً کرده  
اند. اصلاح یا تغییر قانون اساسی باید روسط مجلس  
عوانندگان مردم که باری آزاد، مخفی و مهکانی انتخاب  
شده اند، برسی و تصویب داد و پس از آن در رفراندوم  
جمهوری تأثیرگذار یابد. اما اصلاحات فعلی در شورای  
بانزانگی قانون اساسی تمهی و تصویب شده است، این  
شورا را منتخب مردم نیست. این شورا قانونی هم نیست.  
چرا که حقی در قوانین جاری رژیم نیز بیشینی نشده  
است. مصوبات چنین شوراهای یعنی اصلاحات قانون  
سیاسی فاقد اقتیام مردمی و قانونی است.

قانون اساسی باید پاسدار مردم باشد، اصلاح یا  
تغییر این نیز باید در جهت تأمین اراده و حاکمیت مردم  
صورت گیرد. در حالیکه اصلاحات آخوندگانی حاکم  
متوجه محکم تر کردن سیطره استبداد خوین خودشان  
بر مردم ماست و تنها چیزی را که در بر ندارد، رعایت حق  
حاکمیت و اعمال اراده مردم است. این اصلاحات در  
جهت منانع باند حاکم است و منانع مردم و مصالح کشور  
بما در تقابل قرار گرفتار دارد. محتوی این اصلاحات تمرکز  
اختریات اجرائی در چنگ یک نفر یعنی تهمیل یک  
دیکتاتور جدید بر مردم و تداوم استبداد است.

اصلاحاتیکه تداوم استبداد آخوندی و مطلقاً عقایزی یک  
فرد را قانونیت یبخشد، علیه مردم و مخالف منانع آنان  
است. مردم ما خواهان آزادی، صلح، امنیت، رفاه و  
عدالت و حوالج من نوع استبداد و دیکتاتوری هستند.

اصلاحات فعلی قانون اساسی، پاسخگوی خواسته های  
بر داد، بنابراین کشش، مانتیست

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نظر به از زبانی خود از نوشته ها و اهداف سران رژیم از بزرگواری انتخابات ریاست جمهوری و مهه پرسی و نظر به محتوا و نحوه تهیه اصلاحات قانون اساسی و نظریه تقدان بر این طبقه از خود انتخابات و مهه پرسی اراده نهایش ضرور برای یک انتخابات و مهه پرسی اراده نهایش روسوائی را که با دنرستجانی - اخمندی روز نام انتخابات ریاست جمهوری و مهه پرسی اصلاحات قانون اساسی در یکپور اه اندیخته است، محکوم نموده و از شرکت در آن خودداری میکند و از مهه مهometنан نیز میخواهد این نتیجاشات را محکوم کرده و تلاش سران رژیم برای اراین چهره استبداد حاکم را بر ملوبی افتخار سازند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ان کنند و در بر ابر توطئه های آتی رژیم سد م حکمی بر اساس آن نداشته باشند.

کرامی باد حاضره شهید قاسملو و همزر مائش!  
پیروز باد جنیش انقلای خلی کرد!  
سرنگون نادر زیم جمهوری اسلامی!

کمیته کردستان  
سازمان قدادیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۳۶۸ تیر ماه

موج، هشدار جدی برای همه سازمانها و نیروهای متقدم کشور است.

مootan مبارز! با کمال تأسیف اطلاع یافته‌یم که پنجشنبه ۲۲ تیرماه ۱۳۶۷، دکتر میدال‌الحمدن قاسم‌لی مبارز سرشناس و دیرین کل حزب دمکرات کردستان ایران و آتای میداله قادری نایانده این حزب در اروپا و یکی از مبارزان کرد هراتی طی یک توطئه رذیلانه و جانشیکارانه در وین تزور و به قتل رسیدند، در جریان این حادثه یکی از مأموران رزمی نیز ضمی شده است که اکنون در اختیار پلیس وین است.

ترور بیدار حمن فاسد و همراه ایش درون، در پی ترور دگرگی صورت میگیرد که چندی پیش روزی داد و مدل آن یکی از مخالفان رژیم بقتل رسید. همزمان مردم از هیوای قاتلان آن حادثه ترور، آگاهی یافته‌اند. گسترش موج تزویریم علیه مخالفان رژیم در خارج کشور، در مابین شدن، تعزیزی یک حزب سیاسی در این

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۱۳۶۷ تیر ماه

سازمان فدائیان حلق ایران (اکتریت)  
درواده شیادت دکت قاسم‌له

یسم در آشت. ترور دکتر قاسیلو از تامیل آنکار دشمنان  
شستی ناید پیر خلخ کرد به شهدید سر کوب و کشثار این خلق  
میر جیده ده، تیرک زستر ده نیروهای ارشق و سپاه در  
درستان که پس از آتش بس صورت گرفت بیز مین همین  
است

نیروهای ترقیخواه ایران و جهان این مدل  
نماینگارانه را محاکوم کردند. شرکت گستردۀ وسیع  
حزاب و سازمانهای مترقبی ایران و متقابله افراد  
مردمشان ایرانی و خارجی در مراحل تشییع جنازه و  
دفن دکتر همایل‌الحق‌حسن تأسیلو، شفاهان ابراز محبتگی  
پسرور استرداد با مبارزه حلق کرد، حزب دمکرات کردستان  
ایران و خانواده‌های قربانیان حادثه است.  
کمیته مرکزی سازمان فدائیان حلق ایران (اکشیوت)  
ار دیکتر این جنبش را محاکوم کرد و نیروهای ملی و  
متربقی حلق کرد راه و حدود قمل و هوشیاری در مقابله  
با این اتفاق امدادهای امنیتی امدادهای

سازمان فدائیان خلق ایران (اکشريت)  
کمیته مرکزی  
۱۳۶۸ تقویت ماه

مهموطنان میار! از سوی مقامات و مطبوعات اطربیش، قاتلین دکتر عبدالرحمن قاسیلو، عبداله تادری و دکتر رسول ناضل، از مستویین و موافق واسمه به جمهوری اسلامی یوده‌اند. کیمیه مرکزی حرب درگرات کردستان ایران نیز هم‌عامل رژیم را مسئول این قتل اعلام کرد، شواهد فعلی هاکی از آنست که طراحان و هایمانی این جنایت، نقشه ترور از قبیل وبالاطلاع از مذکوره، محل زیان آن کشیده و آنرا در جویان مذکوره به این میگذازند.

دولت اطربیش حکم جلب دو تن از مامورین دولت

ایران که گفته میشود چند روز قبل تر برای مذاکره با پاسپورت دیپلماتیک به وین مسافرت کرد و بدندرا را در کرد که استادولت ایران از تحویل دو نفر به پالس اطربیش خودداری کرد و مانع از انشای بیویت هامبورگ این جنات هولناک شده است.

اعلام و کمیته کودستا ن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

تربور ناجوانمر دانه دکتر عبدالرحمن قاسملو، عبدالله قادری  
و مبارز کرد عراقی، رسول فاضل رامحکوم میکنیم!

می خلق کرد و دمکر اسی در ایران است .  
عوامل ارتقای و دشمنان خلق کرد در این خیال و اهمیت  
بیش میزند که با ترور رذیلانه مبارزان سرشناس خلق کرد ،  
خواهند توانست بر جنبش ملی کردستان غلب کند اما  
تجارب دهه های اخیر نظرور متفقین اثبات کرد اسی که  
جشن های خلق کرد با تاریخ خوبی خود در مبارزه علیه  
از ارتقای و استبداد و با پشت روز گذاشت فراز و نسبت های  
بسیار به آنچنان حید از نفع سیاسی رسیده است که  
نقضان چنین هزارانی مانعی در موجودیت انتقامی و  
رزمنده آن ایجاد نکند . رژیم ارتقای جمهوری اسلامی  
که پس از فراقت از حکم با طرق نیروی عظیمی را به  
منظور سرکوب شهادت می شناسد انتقامی خلق کرد می سیل  
دانشته است ، تلاش خواهد کرد کار مقضان دکتر قاسملو در  
جهت تحقیق اعداف خود در کردستان ایران ، حاکم  
یوره برداری را یافتد . شرایط حساس کوتی بیش از هر  
زمان هوشیاری و مسئولیت همه جانبه می خلبلد . گمینه  
کردستان سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )  
رهبری ، اعضا و پیشمرگان حرب دمکرات کردستان  
ایران و سایر شریوهای ملی و انتقامی خلق کرد را به  
یگانگی ، وحدت و اتحاد عمل مرچه بیشتر دعوت می کنند .  
بگذران نیروهای ملی و انتقامی کردستان این حالت ناسف بار  
را با تندیکی و اتحاد عمل خود در جهت تحکیم جنش  
مقوامت کردستان ایران ، به پیروزی رساندن هزاره بزر  
حق خلق کرد و نتوانی رژیم ارتقای جمهوری اسلامی



## یک سال

گذشت

سر انجام حکومت هزار آن تبریزی پاتجره، سازمانگر کار و انقلابی، تبریزی با یکنیت و دارای ارز شهادی تنوی و سیاسی بالا در زندانها رژیم جمهوری اسلامی را اسوان می ساخت.

قتل عام پس از ساقطه زندانیان سیاسی کشور جزئی از معوجه تصمیماتی بود که خمینی و مدستانش در این طبقه داد سازی رژیم برای پس از مرگش حل اراضی و اجرای دند. در این تاجعه ملی بسیاری از افراد موثر مانهای سیاسی کشور، رجل سیاسی، کادرها و هنرمندان ساقعه و ترقیخواه که در زندانها اسری بودند، اعدام کرد. کسانی که مظویر شان در تحولات سیاسی آینده وریده نفع مردم متربود.

جهتوان ابعاد فامعه و سیاستی که در خیابان بسطور  
بنی در زندانها اعمال داشتند روش نشده است، اما  
اعمال محدود موجود در باره چگونگی سازماندهی  
کشتار در زندانهای گوهر دشت و اوین که حدوداً  
مع مشابهی داشتند و یزیرین کشتارها در آنجا  
تر گرفت، خود گویای حق جنایت و اشناگر گوش  
از دینمشیر رژیم جمهوری اسلامی است.  
بدنبال تصمیم خمینی و همدستانش بنی بر قتل هام  
نیان سیاسی، او ایل مرداد ماه سال پیش زندانیان  
سی در زندانهای گوهر دشت و اوین با وضع ویژه‌ای  
ججه شدند. در خیابان بدون دلیل و بطور تاکتیکی از  
د ۷ مرداد ماه ۱۴۰۷ تا ارتیافات زندان گوهر  
با خارج را قطع کردند، ملاقات، موادرخانی، اعزام  
نیان پیمار به بداری... و هر آنچه که می‌توانست بین  
ای مختلف زندان و مهمندان بیرون زندان ارتباطنی  
د کند قطع شد و شمار افزایش یافت. زندانیان در میان  
و حیرت در رابطه با این اقدام بی دلیل حدسیاتی می‌  
و می‌کوشیدند ملت او خواص مددی را دریابند، اما

تعداد زیادی از زندانیان رو به دیوار با چشم پند نشسته بودند این کلبات از پاسداران و ناصاریان جلاد و شکرگی در خیم گاه به گوش می رسید<sup>۱۰</sup> اینو شلاشق بزن<sup>۱۱</sup> بیرش صینه<sup>۱۲</sup> حال دیگر کم کم غیر عادی بودن وضع شخص شده بوداما تنور اینداد قضایا روش نبود<sup>۱۳</sup> شکرگی زانی یک به که یهه هزار لندنی کرد و به راهرو دیگری انتقال می داد در آنجا زندانیان می پرسید<sup>۱۴</sup> و استنگی گروهیت چیست؟ سازمان راتبول داری یا نویسی؟ مصاحبه می کنی؟ افر زندانی نهی پذیرفت اورا به محل دیگری هدایت می کرد و محل جدید، زندانیان را در مقابل در اطاقی به صفت می کردند و آنها را یک به یک بدون اطلاع از کم و کیف قضایا به اطاقی که در آن<sup>۱۵</sup> نظر نشسته بودند هدایت می نمودند<sup>۱۶</sup> این ۳ نفر بغار بودند از آخوند نیری چنانیکار حاکم شرع زندان اوین، امر اتنی استادستان و نایانده ساو اخینی، الاعاب زندانیان به دروغ می گفتند که هیات بررسی و وضعیت زندانها مستعد، امادر و اقع اتهامات تصمیم گیری درباره اعدام زندانیان سیاسی بودند که بدستور خمینی تشکیل شده بود<sup>۱۷</sup> آنها زندانیان در یک سوال و جواب چند دقیقه ای می پرسیدندگه<sup>۱۸</sup> و استنگی گروهیت چیست؟ سازمان راتبول داری یا

مذبیت چیست؟ نهاد می خوانی بانه؟  
حاضری این کافد را امضا کنی؟ (در آن کافد متین  
نوشته بودند که شخص اعتقدات خودش را نقی می کرد)  
نوع پاسخ زندانی به این پرسش هاکه در مجموع یکی  
دو دفعه پیشتر طول نمی کشید بنای تصمیم گیری در  
باره حیات و یاری او بود، اگر هیات مورد بحث شخصی  
را برترست تشخصی می داد، حکم صادر شده بود، او چند  
حکمه عقد اعدام می شد، بسیاری از اسیران بی دفاع  
بیمه اطلاعی از قضایا نداشتند یا یک سوال و جواب کوتاه  
هدام شدند، بعضی از آنها کیقدر طول انتظار در زاهروها  
چیزهایی نمیمیده بودند و حدس زده بودند دقیق تر  
خر خود را کردند، اعدامی ها با لایوتنه اعدام می کردند و  
اسیرین را که کمتر از اعدامی گذاشتند  
هر روز برای خواندن و دعده نهاد ۵ بار شلاق می زندند و  
لکنجه می کردند زندانیان هنوز از اعدام همزمان خود  
که اطلاع بودند نتوان برای آنها کیقدر زنده مانده بودند  
غافل عنوان بود که سوال و جوابها برای چه بوده است و  
سرنوشت بقیه په شده است بدیگران که اکنون می گفتند  
که برای جدا کردن مسلمانانها و غیر مسلمانانها و طبقه بندی  
زندان این سوالها را می کنند و مسئولان زندان می  
نوشیدند بنهاده ای دیگر همچوگونه اطلاعی از قضایا پیدا  
کنند تا بدون گوچکترین اطلاع از تصمیم آنها، اعدام  
می شوند اما کامک می براي اسیران روشن شده تصمیم رژیم  
تتل هام زندانیان سیاسی است و تنها معیار آنها مسلمان یا  
غافل بودن زندانیان است.

بسیاری از زندانیان به فجیع ترین شکلی چند لحظه  
سی از سوال و جواب گروه<sup>۳</sup> نفر، پساز<sup>۴</sup> تعزیر<sup>۵</sup> در  
می تائیر زندان گوهر داشت اعدام شدند و احسان دادهای این  
ناوار و تریلی به تغایر تعلقوں حمل شد و در گورهای  
معمی ریخته شد، بیش از دو سوم از وابستگان این روزگار از  
بازار مانعای انقلابی چپ گفتوار در زندان گوهر داشت

یکسال از آغاز فاجعه قتل هام زندانیان سیاسی ایران گذشت. در این یورش حیوانی دزخیان حاکم بر کشور ما، تعداد بیشماری از فرزندان مبارز و انقلابی مردم را سمعانه کشته شدند. تاکنون اسامی هزاران نفر از زندانیان که تاجیروز داده قتل عام شدند بدست آمده است. اما این اعداء فاجعه بزرگتر از اینستهات، رژیم هنوز در باره انتشار اسامی قربانیان جنایات خود سکوت کرده و باز به شارارت ادامه می دهد. هر روز بز خیل شهیدان افزوده می شود. از این یورش جنایتکارانه و ابیستانگان به صیغیک از سازمانها و احزاب و جریانات متربی کشکور مصون نیووند. هر که را خواستند کشته شوند، چه آنهاگیک سالیها پیش ممکون شده بودند. مگه آنهاگیک ممکن شده باشند، شاهزاده شدند.

بود، چه کسانی که بلا تکلیف بودند و چه آنها که اتفاق نداشتند خیابانها را داشتند شده بودند، اسیران به فحیج ترین شکل و بطریزی ساخته گروه گروه بدون محاکمه در زندانها تیرباران و یا معلقه آویز شدن و در گورهای جمیع شبانگاه مذکون گردیدند.

اکنون معلوم شده است که خمینی شخصاً دستور قتل روح زندانیان سیاسی کشور اصادر کرده بود او طی فتوایی حکم به اعدام اسیرانی داد که بر سر اعتقاد خود بوده و فقر مسلمان یا پسر اسلام شخصی داده شدند، او هیات های را در زندانها مأمور اجرای حکم خود نموده بودند، یعنی ساخته ای با اسیران و بدون اطلاع زندانیان از ماحصله حکم به اعدام آنها دادند، رفسنجانی ای و چهارزند خمینی در این تعمیم گیری و هیات را با او هم دست بودند، یعنی ساخته ای کشتران از اینها بودند و گرفته داشت صورت گرفت، قبل از این حدود سیصد نفر از زندانیان آنها کشته مذکور باید بودند و هنوز آزاد نشدند از این دسته بودند از اوین به کوهه دشت منتقل شدند، در اوین حکم خمینی را هیاتی مرکب از نیزی جنایتکار تاضی شرع اوین، اشرافی تبعکار دادستان، رئیسی معاون او و پور محمدی جلال نایابه سواد خمینی به امام اگذار دند، در گوهر دشت نزیز نوین نوینی ای و نمایندگان سواد خمینی جزو هیات بودند، در سایر شهرستانها هم هیات هایی مرکب از حاکم شرع، دادستان و نماینده اطلاعات در محل به کشتران زندانیان پرداختند، ایجاد فاجعه در حدی بود که حتی بعضی از خدمتگذاران سایق رژیم نیز اعدام شدند، این امر باعث شد تا درون خود رژیم به این نفعکاریها اعتراض شود، آیت الله متنظری طی نامه ای به خمینی و سایر مسئولوں و دست اندکاران، آنها را نسبت به هواب این تبعکارها مشمار داد، و نهایتی نامه مورخ ۹/ مرداد /۷۴ خود به خمینی و نامه ای به هیات اجرای حکم او در اوین و کوهه دشت در تاریخ ۲۴/۷/۶۴، که بعد انشا شد، به اعدام بدون محاکمه پندهن هزار نفر در ظرف جندروز <sup>۱</sup> به <sup>۲</sup> هزاره بانکر و ایده از طریق کشتن <sup>۳</sup> به <sup>۴</sup> اعدام کسانی که به کمتر از اعدام حکوم کردند <sup>۵</sup> این گونه قتل های مذکون محاکمه آن هم نسبت به زندانی اسیر <sup>۶</sup> اعتراض کرد، اویه خمینی نسبت به عکس العمل مردم ایران و جهان مشمار داد، آیت الله متنظری که حدوداً از کم و گفت خطا مطلع بود طی نامه دیگری به خمینی که در تاریخ ۹/ مرداد /۷۴ اعتماد شده است، از خود در باره اعدام هایی که به فرمان خمینی انجام گرفت سلب مسئولیت کرد و نسبت به جنایت های مسئولوں اطلاعات رژیم در انتقام گیری از زندانیان سیاسی کشور با ذکر شواهدی مشخص اعتراف نمود، ایه و خمینی نوشت <sup>۷</sup> رفع تعالی احتجاز فرمائید به کسانی با چه دیدی مسئول اجرای فرمان هم حضر تعالی که بدیده ایران نظر مربوط است می باشند <sup>۸</sup>، اما دیری نشاید که خمینی جنایتکار اور اینزینگونه ای غفاحت با کثار گذارد، اکنون خمینی مرده است، اما جنایتی که به فرمان اموال ایرانی و مکاری مهدستانش در زندانهای ایران صورت گرفت، دامنه اندیز بصره ای و اسایل ۱۵۱-۱۵۲

تریلی به آنکه تاتر زندان، سرو صدای ماشین سم پاش و اکنده شدن سقطی زندان از بیوی تعقین، خبر از حادثه ای جنایت باشد بر دند ماجاهین می داد، او اول شمر بیور ماد نوبت به بندقهای دیگر رسیده و دخیران زندانیان را گروه گرفته حداً کار ده و با چشم بنده راه رفته املاکی زندان گوهر دشت هی بر دند و روزی زمین می نشاندند. بهم مامی کوشیدند تا از هر جمله ای که از دهان پاسداران و شکجه گردان بیرون می آمد، اوضاع را پس از بی خبری یکمراهه ریابانند. برای همه این مساله مطری بود که هلت قطع ارتباطات زندان چه بوده است و چه حادثه ای را باید انتظار کشند، فقط در راه رفته و بزرگ گوهر دشت که روزی از زندانیان سیاسی هر اسان بوده و هست.

حضور کادر ها و رئیس سیاسی از رشمند مین مادر زندانها مطی سالگا، زندان را به یک مرکز مهم تاثیر گذاری بر مردم و تحولات سیاسی کشور مبدل کرده است. زندانیان سیاسی و مبارزه و مقاومت اتفاق هنگام خیزش ها و میشنهای تاوده ای نقش باعثیتی در هدایتگری سیاسی مردم داشته اند.

زندانها همیشه بعنوان یک مرکز تربیت سیاسی و آموزش نقش بزرگی در جمع بست تجارت و کار تثوریک سیاسی بازی کرده است.



## اصلاحات قانون اساسی با کدام هدف؟

مصوبات شورا پس از تائید و امضای رهبری از طریق  
همه پرسی باید به تصویب اکثریت مطلق آراء شرکت  
نتنده‌گان در همه پرسی بر سر ...<sup>۴</sup>

در یک رزیم دکتر اینکر روال ممه پرسی و معمولانی  
رتیب است که ایندا برای اصلاح مسئول پیش نویس قانون  
سازی یا اصلاحات انتخابات میدهد تا در معرفت تقاضا  
وار و ارقام عموم قرار گیرد. پس از آن تعیین‌گران مجلس  
و سیاست‌گذار از ازاد، مستقیم و مخفی و همکاری برگزیند  
پیشود و اصلاح یا تغییر قانون اساسی را بررسی میکند.  
میگان را در جریان مباحثت قرار میدهد و در تعیین آنرا  
صوصیب میکند، پس از همه این اقدامات، قانون اساسی یا  
صلاح آن به عده پرسی مردم گذاشته و در صورت اخذ  
رای کافی، قدرت قانونی یاد شود. البته از این روزیم، از  
سیاست‌گذار این دکتر ایسی تبرهه اند و دشمن  
مرخصت آن نیستند، کسی چنین انتظار این تدارد امانتها  
نمی‌رود و رایزی که طی آن مجلس خبرگان  
متین را رویه گذشته روزیم رایزی که طی آن مجلس خبرگان  
ابراز برسی قانون اساسی فراخواندند، کنار گذاشتند.  
جلس خبرگان، مجلس تعیین‌گران واقعی مردم نبود، اما  
بدائل در درون هیات حاکمه مشارکت سران قوم را  
امین میکرد، اما در اصلاحه فعلی قانون اساسی، مجلس  
خبرگان روزیم نیز کنار گذاشته شده است، این امر این  
تجهیز گیری ما اکه باند حاکم به تأمین سلطنه مطلق خود  
روی اشاره در اثبات میکند.

ست گروه هندی حاکم و تمرکز این قدرت در دست یک سنتید مطلق العنان است،  
اصحابات اساسی شورای بازنگری که بعنوان اصلاحات  
تون اساسی به محمد پرسی گذاشته میشود میان تلاش و  
برایش سران رژیم برای حفظ نظام از طریق تأمین سلطه  
امنیتاری جریان رفسنجانی - خامنه‌ای در میان اصلاحات  
ادن اختیارات دیکتاتوری مطلق العنان یک آخوند  
ست، این تلاشها که خود را در سیما اصلاحات قانون  
ساسی تبارز داده است، سرچشمde کشاشک‌های آنی در  
رون میان اصلاحات حاکمه و تقابل بیشتر با مردم است. این امر  
میشه میسازد که نیروهای وسیعی  
فاسخانی - خامنه‌ای و دردمندانه شوند.  
اصحابات قانون اساسی فائد اعتبار قانونی است، چرا که  
شورای بازنگری برخلاف قانون شکلکش شده است. این  
اصحابات مصروف افکار ارتجاعی و عقب مانده است.  
مردم مبارز ما اجازه نمیدهند که سرنوشت کشور بدست  
ده محدودی عقب مانده و بسیار رقم بخورد، مردم  
اصحاباتی را که هدفش تداوم استبداد آخوندی و تأمین  
سلطه یک کروه محدود و یک دیکتاتور عمame بر سر است  
نه میکنند و در نهایت تهمیل آن نیز مشارکت تخواهند

بیزد همین فستیوال ... بقیه از صفحه آخر

پژوهی‌ایستی از شعراهای فسیلیوال باید حذف شود. در تابل نمایندگان کشورهای افریقایی و آمریکایی لاتین خالق آن بودند و با شعراهای "مرگ بر امپراتوریالیسم" و "مرگ بر سرمایه بین الملل" سخنرانی های خود را ایجاد نمایندگان کشورهای مختلف نظرات فتوگرافی را معرفی میکردند. محققین بحث پیرامون آینده فسیلیوال در میان روز ل سیزدهمین فسیلیوال جوانان و دانشجویان آغاز شدو یکی از اصلی ترین و دافتترین بحث های مبدل گردید و محققین اینکه شعرهای مختلف نظرات فتوگرافی را رابطه با تغییراتی که باید در اهداف، چگونگی و فرم گزاری فسیلیوال بوجود آید منعکس کردند، برخی واهان ادامه کار مستیوال مطابق روای گذشته بودند، خی دیگر از مدرنیزه کردن تدارک و کار مستیوال بحث میکردند، هدایی نیز بر این ارزیابی بودند که صدر مستیوال به سر رسیده و نقش تاریخی ان پایان یافته

در پایان شرکت کنندگان در سیزدهمین فستیوال عانی جوانان و دانشجویان خطاپ به جوانان و شجاعیان سراسر جهان اعلام کردند که با وجود تغایر و طے نظرات مختلف سیاسی، اندیلوژیک، فلسفی و مذهبی، همگی افتخار دارند که امکان پذیر و ضروریست که مسلط کنونی جهان را باتلاش مشترک حل کرد. جوانان کت کنندگان فستیوال میکویند: "ما در مقابل بشریت فصلیوت داریم و باید که زمین را به سیاره صلح، شرفت و عدالت، آزادی و دمکراسی مبدل سازیم". در خاتمه روز پروردیست تاکید گردید که جوانان پیشگام و گرگرههای جوانان متفرق و دمکرات ایرانی در فستیوال کنونی شرکت نداشتند. دولت کره به این دليل میگفت از جمهوری اسلامی ایران در فستیوال شرکت نداشت، باحضور نمایندگان دیگری از ایران در فستیوال شرکت کرد. سازمان جوانان پیشگام ایران این تصمیم مهارت کرده را نادرست دانسته و علیه آن اعتراض کرده

تصمیم پست نخست وزیری حذف شده، ریاست دایبیه و  
ظایف نخست وزیری به ریاست جمهوری محول  
نموده، آن تصمیم اختیار ات سیا، گست ده به، یعنی

مهمور داده شده است و بین رتبه در قوه مجریه مرکز فوقي العاده اي ايجاد شده است. نظر به اينکه ز قبل تعين شده است که رئيسياتي رئيس مهمور شود، او فرد قادر طلبی است، دادن اختيارات گسترشده با، يجادر مينه قانوني برای تبديل او بيك مستبد مطلق العنان است. در كشورى که سنت هاي دمکراتيک ضعيف است، راه افراد قادر طلبی نظر فسخانى، زمينه زيادي جوداره که مبنائي يك دكتاتور ظهور گند، بويره که وقدرت اعرابي را در تخت خود در آورد هاست. اگر خامنه اي اختيارات پسيعی از رضاخانوی دارد، فسخانى اختيارات گسترشده از نظر قانوني، عملی و هرجاني خواهد داشت، مصوبات شورا در زمينه اختيارات هير نظام و رياست مهموري ماهييت ضد دمکراتيک و تجاعي اصلاحات قانون اساسی را بخوبی بر ملمايمکند. مهمور ديرگري که در تصريحات شورا اي بازگشري وجود آزاد و در يك شفاهه ارگان سازی خود را تباير زاده است، حددود شدن دايره تعيين گرندگان در هيات حاكمه است باز جمهله شورا تصديم گرفته است که مجمع تشخيص صلح است در قانون اساسی وايد شود، اين ارگان بمستور هيمنتي تشکيل شد و هدف او نيز ايجاد بر مرجعیجهت

صیم گیری در موارد اختلاف شورای نگهبان و مجلس  
و دیگر تجویب مجمع تشخیص مصلحت نظام و اطاعت شدن  
ن در قانون اساسی، عطاً لایحه تحول ارتقا هیئت در قوه  
قانون گزاری رژیم پدیده می آید. در عمل و ضعیت بین  
مهده می شود که در موارد اختلاف بین مجلس شورای  
جمهوری و که تا امروز این گونه موارد مسأله محروم روز  
نماز عده دسته بندیها درون حکومت بوده و نحوه حل آنها  
رسمت گیری هیات حاکمه تاثیر جدی داشته است -  
صیم گذاشته می شود. این تصیم اولاً مغایر اصل مشتاب و  
ضم قانون اساسی مصوب خود رژیم است. در این اصل  
صریح بده است که: «... مجلس نمایندگان اختیار قانون  
ذاری را به ساختار یا هیاتی و اداری کند ...» و ثانیاً این  
تصیم به معنای آن است که بین مجلس شورای اسلامی  
و باصلاح از نمایندگان مردم شکل می شود و بر فراز و  
آفون آن، یک مجمع کوچک انتصابی با اختیارات قانون  
ذاری گذاشته می شود.  
جایگزین دردن مجمع تشخیص مصلحت بجا مجلس  
شورای اسلامی در تصویب گزینهای برپویده اختلاف  
روز هیات حاکمه، بازتاب گرایش باند راستگانی -  
باشه اند - که اکنون - معا - امه، حکمه است، اد دست دادند.

کوچک کردن دایره تضمین گیریها در درون مفهوم بیرون کردن از اراده خودی و نامطمئن از این دایره است. این گرایش ممکن است یک باند محدود در راس خود باشد که خواهد چیز را پنهان نمود و ضمن خود ریسم است که می خواهد همه چیز را پنهان نمود و مخفی خود را با طبق مفهوم متفاوت محدود گروهی خود دایت کند.

جنین گر ایشی در سایر ترمیمات شورای بازنگری تیز زتاب یافته است، از جمله مصوبه شورا مبنی بر انحلال جلس تو سطح خانمانی است. مطابق این مصوبه، شورای زنگری به خانمانی اختصار اخراج مجلس را اراده. این امر بین خواص بیانات ضد دمکراتیک رژیم است که سوالان آن میکشند حتی مجلس را نبین در وقت ضرورت سر بار کنند. مطابع خود فرمانده در این باند اقدار رومند است که حتی قانونی اساسی رژیم را نبین زیر پیگذار در اصل ۳۴ قانون اساسی موجود در اصل ۶۸

کن تحریج شده است که مجلس تعطیل بردار نیست، این ایمان چشمی این اصول را هم رعایت نکردن و گران اول حق انتخاب اخراج مجلس را به خوبی نداند و حتی

ن شورا در پر ایر حمله میگردید و باید بسیار  
نهادن نمایند. مجلس ۱۷۷ نمایندگان اساسی  
میگردند که اگر این مصوبه وارد تأثون اساسی  
شود، سرشان بعد از این بی کلاه خواهد ماند، مصوبه را  
سکوت ندارد.

در یک مورد دیگر از این دست، این شورا تصمیم  
نخواست که تغییر، اصلاح یا تنقیم قانون اساسی توسط  
شورای بازنگری صورت گیرد. قانون اساسی در این  
میانه ساخت است. مطابق این تصمیم روال کار باین  
تیپ خواهد بود که:

”مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص  
صلاح طی حکمی خطاب به رئیس جمهوری موارد  
صلاح یا تنقیم قانون اساسی را به شورای بازنگری تأثون  
نخواست با ترکیب زیر پیشنهاد میکند: ۱- اعطای شورای  
شورای ۲- مجمع تشخیص مصلحت ۳- روسای سه قوه ۴-  
نهادن ۵- برگان رهبری ۶- نفر ۷- با انتخاب رهبری ۵ نفر ۸-  
برگان ۹- نفر ۱۰- قوه قضائیه ۳ نفر ۱۱- مجلس ۱۵ نفر ۱۲-  
نهادن“

بجهه از صفحه اول  
دو ماهه کار خود را پیمان برساند و اصلاحات ثانوں اساسی  
را برا برای باطلخواهی پرسی اماده سازد، با مرگ او  
تدارکات شتاب گرفت، شورانهای خود را تسریع کرد،  
زمان همه پرسی نیز جلوتر کشیده شد.

یک رشته از مصوبات شورای بازنگری، در ارتضایابی وظایف اختیارات رعیر نظام است. در این زمینه در توه قضاوی کشور، شورا تعویب کرده است که این قوه در کنترل یک آخوند قرار گیرد و این آخوند توسطر هر ب نظام و برای مدت ۵ سال منصوب شود. این مصوبه شورا بعنوان اصل ۱۴۷ در قانون اساسی وارد شده است. سپردن توه قضاوی بدست یک آخوند که قطبیه خامنه ای پاسختوان است، یک مصیبت تازه برای قضاویت است. اگر در کذب شده آخوند، اینهمه جنایت افریدند، حالا لای آخوند

بر جان و مال مردم مستلطنه شود.  
نکته بسیار بر اهمیت برگزار ماندن قوه قضائیه از  
نظر اداره مجلس نهادنگان مردم است. اخوندی که در راس  
این قوه تزار مینگاهد، در بر این همین اگانی یا ساختگو نیست  
و همچنانکه از نظر تأثیراتی که ندارد او را به باسخ دادن و  
دارد و فعال میگشایش یک اخوند در راس قوه قضائیه که به  
بعانه تجربه منتهی مدیریت شور آئی ظهور سیده است،  
مشهداً اختیارات و حق شکنی های بسیار دیگر خواهد شد.

در مجموعه شورای بازنگری، وزیر دادگستری مچنان  
نافاقد اختیارات است، مسئولیت او مچنان تنظیم روابط  
قوه قضائیه با سایر قواست، مگر آنکه رئیس قوه قضائیه  
بمشی از اختیارات خود را بذخواه باو محول کند. افراد  
وزیر دادگستری در حد سایر وزرای کابینه ای را طی  
و اختیارات باشد، اگاه مchein مجلس کذاقی امکان خواهد  
یافت که یک حداقل کنترل را بر دستگاه قضائی کشور  
اعمال کند. آخوندما با امتناع از افزایش اختیارات وزیر  
دادگستری نشان میدهند که با هر نوع کنترلی بر قانون

شکنی هایشان مخالف بودند.  
یک جننه عسیار مهم دیگر در این تضمیم شوراء،  
سپردهن اختیار کامل خواسته قوه قضائیه به رهبر نظام است، در  
گذشته نزد شورای عالی تخاصی قوه قضائیه را کنترل  
میکردند، ازین ۵ نفر، بطور رسمی قاضر یئیں دیوان  
عالی کشور و دادستان کل کشور تو سطح عینی انتخاب  
میشدند، سه نفر قاضی دیگر با صلاحیت انتخاب قضات  
کشور تعیین میشدند، اما حالا بجای این ۵ نفر یک نفر  
گذشتۀ شده و او را نیز "رهبر" انتخاب میکند، یعنی  
شورای بازنگری که موثرترین عنصر هیات حاکمه  
بودند، اختیارات "رهبری نظام" را افزایش داده اند و  
قوه قضائیه را سماو قانونه تبیول اور آورده اند.

تعمیم دیده را برخواهیم داشت، مردوده باشند  
رادیو و تلویزیون است. مطابق این تصمیم، این سازمان  
توسطیکنتر اداره خواهد شد که عزل و تبع آن با زیر  
نظام است. در حالیکه در اصل قانون اساسی تصریح  
شده است که این سازمان زیر نظر مشترک قوای سه گانه  
اداره خواهد داشد.

خوبی نداده بود. یکی از تصمیمات شورای بازنگری، قانونیت بخشیدن به «جمع تشخیص مصلحت نظام» است. تعداد در خور توجهی از افراد این مجمع توسطر هر تعیین مشوشه، قانونی شدن این مجمع نیز بتوخه خود را اختیارات قانونی رهبری افزوده است. معمتنین باید ایاد آوری کرد که در اصلاحات قانون اساسی شورای بازنگری به یک تعادل قانونی تبدیل شده است. در این اگاه نیز، بخش مهمی از اعضاء پرسیله و هر نظام تعیین میشوند.

مجموعه مصوبات فوق که در اصلاحات قانون اساسی وارد شده است، میان این واقعیت است که سران رژیم به ویرظام قانون ااختیار این داده اند که قانون اساسی تنبل تعداده بود، دادن چنین اختیار اتی به یک فرد، اول اظطرور دیکتاتوری این یا آن فرد است و ثانیاً بین تغایر سران رژیم و بقیه قدرت در دست عددی معدودی است.

همه معمتنین اصلاحیه قانون اساسی توسطشورای بازنگری، تعادل تعریک در قدرت احرازی کشور است. مطابق این

# کلیدر

درآسمان ادب ایران

تختیل جوشنان نویسنده، از فراز مهم  
تب و تاب ها و خیزش های ملی و مردمی  
در یک دوران پر تلاطم تاریخی یعنی  
سالهای ۱۹۵۳-۱۹۴۵ می گذرد و قهرمانان  
خود را از میان ایلات و هشایران بر جی  
گزینند. یافی روی "گل محمد" از این راهیان  
می شود و هیماریات ملی و دموکراتیک  
مردم در سایه قرار می گیرد.

دولت آبادی در کلیدر، به ترسیم  
روندگانی از واقعیت اجتماعی می  
رو بارز داده که مینی روابطی روده زوال است  
و نه رو به رشد، البته هنر می تواند با تکیه  
بر اصل واقعیت، حصوصات ویژه زندگی  
را در مراحل مختلف تکامل جامعه انسانی  
در خوبی یا آزاری بینی کنند، و کار دولت آبادی  
تا آنچه که ناظر شرایط غیر انسانی ایلات  
پسندی، پسند و فنا است

اما نو سندھ کلید، به چھپن، سندھ نمی  
است، بسیار موقعی است.

کند. باز آفرینی و اقتضای در کلیدر با تجسس  
عصر اسلامی بضم می آمیزد و بر شانه های  
گل محمد ایلاتی باری گذاشته می شود که  
برای تامیت او سخت نگین است.  
از اینروزت که علیرغم میل اعلیٰ

بویسده، حواسه کل محمد به  
تاریخی جای خود را به یاسی تلخ می دهد

و رئالیسم دولت آبادی با این تقدیر و استحکام در ترسیم چند بعدی زندگی،  
از پس فریدادهای خاموش و بی حواب <sup>اگلی</sup> محمد<sup>؟</sup> باشک و خون شسته می شود و در  
بستر رمانیتیسم فرومی لغزد، خواننده  
با دل خستگی های مایوسانه گل محمد،  
شایخ سرگردان خانان کلیمیش و تقطمه  
پیروز و مدن تنگ های حکومتی روبرو می  
شود و در آخرین صحنه، محمدی روح  
کشته، شکاک و تاباور ناداعلی با کشته  
استار، تصویری از امандگی و استعمال در  
برابر ستم راه در ذهن حک می کند.

\* \* \* دولت آبادی میگوید: "من مند بعلت درک ضرورت، درک صادقانه ضرورت محیط‌خویش، دست به انتخاب یک موضع از مانی خاص میرند."\*

او با دقت یک اندیشه‌مند متعدد و حساسیت یک هنرمند واقع گرای به سخن بندی آرمان‌های خودویژه و روانشناسی جتنهایی لایه‌های مختلف مردم روستا

می پردازد: اگر تمام <sup>۹</sup>هم و قم <sup>۱۰</sup>بندار و پسرانش  
صرف چاپیدن مردم <sup>۱۱</sup>و سکه روی سکه  
سوار کردن است، <sup>۱۲</sup>کربلاشی خداداد <sup>۱۳</sup>

زمینی کیر و پر انش هم در سر آرزوها  
دارند، بازگشت به همان "برو بیای" و  
تدبیر و همان عصر ساربانی ها و تافله  
سالاری ها ...  
اما خوش شنیان روستا این را نمی  
خواهند، مهم آرزوی "پیطوان بلخی" و  
"خاکی" داشتن تکه زمینی است و یا  
حذاق می دم آب ای باش

و گل محمد ایلاتی اینهمه را ننگ خود  
می داند. او پرورده کوه و بیابان است و  
جز شیر رمه و علف سبز بیابان، منت دار  
کسی نیست. با جشمی که بندی روزی، به  
سماون دوخته می شود، و اگر آنسوان هم  
ننگ چشمی کرد، همگنان او -خان معمر  
خان محمد- دست بر زانو نمی ماند. آنها  
وزری خود را از دل سنگ و از دهان گرفت  
بیابان هم بیرون می کشد. نه پای بند  
زمین هستند و نه در تئاتر خانه ای  
می بحیوسن، آزاد و سرکش و هیمار شدید.  
پس بر آن<sup>۲۰</sup> دمچانی که سروش را یه دم  
کاوش شده زده<sup>۲۱</sup> و بارگرم زایر گردید  
خود هموار می کند، خشم می گیرند، اما  
آن دمچان هم در سر آزوها دارد. او  
جیشه متظاهر است، منتظر نیاچی، یک  
سردار قدر تمند که حق او را از ستمگران  
می ستداند.  
وال جاتی و میرخان و خرسفی هم  
نقمه دادند، صفحه بعد

سیم و پر شور نویسنده ای هموانیست.  
ست که رو به لایه های محروم اجتماع  
ارد.  
هموانیسم دامن گسترشی که در ترسیم  
ذالتش های فردی و مبنی های نابرازندۀ  
هر چنان بر خود می رود و لرزش حشم و  
رست نسبت به مر کش شیر انسانی و موادی  
جود آور ندۀ آن را به قلب حوانده تلقین  
کند، و مستقیماً با درونی تربیت  
جدانیات او تماس می گیرد.

### \*\*\* دولت آبادی در جائی می نویسد : ”

ن از هنر چندان پای بند فرمول های  
الامانه نیستم. اما همانگاه که اثر هنری  
نه جامعه شناسانه بخود می گیرد،  
کثیر بر عالم مواجه می شود و لاجرم با  
لار علمی که قالیاً «منای عینی دارد»،  
نمیدهد می شود؟<sup>۱۰</sup>

آری، هنر در قالب فرمول های عالمانه  
کی تکدد، همانچه زندگی را بهمه شور و  
مشق و سوداهای معنوی آن، نمی توان  
نمایابانم توضیح داد. ای اینهمه ورویدی از  
من دریچه به «کلیدر»، بخستین  
مشغی را که در ذهن خواننده برمی  
گزیرد، این است: چون اثری باید حجم -  
دیگ ۳۵۵۰ دریغام ارزش  
ریحی خود، با زندگی و جریان مسلط  
نمایمی امروز ایران آنچنانکه باید  
مخوان نیست؟

تویسنده، خود کلید این رمز را بدست  
دید: «مخامنین و داستان های من، به  
مع نخستین و بکرترین تاثیراتم  
وستایی بودند»!<sup>۱۱</sup>

بگمان ماوچ قدرت و در هین حال به  
تبشاری نقص کار دولت آزادی، هم در  
نخاست.

توانندی بخوب آسای تویسنده در جسم همین زندگی روتاست، خلق صدما پر و کارکتر اجتماعی که بر زمینه طبلی یادمه شناسنده از محیط روتاست و کائئی عصیق تویسنده با مردم صورت رفتنه است، چنان حجاج و مهم جایبه از زندگی روستاییان را ترسیم می کند و در ادبیات مایه بین نظری است. بر جسته رین خدمت دولت آبادی، هم در کارهای بیش از کلیدر و هم در کلیدر، ایجاد یوندی عصیق میان ادبیات و زندگی اتفاقی نیمه از اهالی کشور ماست. درین حال باید تذکر که یکانگی تویسنده با زندگی روتاست گاه، با نوعی مخدوخت و مایل به آرمانی کردن گذشتله در هم می سیزد، بیابان های رخ اسان با همه فراخی هنر، تحفیل اقویستنده تویسنده را در خود

تصویر می کند و به او اجازه نمی دهد تا  
ب حوادث و رویدادهای اجتماعی که در  
هر جاری است، سفر کند و روندهای را  
که طی سفر چهل سال اخیر، سرمایه  
تستی می بازیکلی دگرگون ساخت، بازتاب  
جهد مددکاری اتر نیز نیز و محدود است.  
چنانکه به مشهد هم نمی رسد، از شهر  
بیروت و نیشابور تعلص تصویری کلی و رنگ  
ریشه از گلستانه های مساجد،  
را و انساری پیر خالو، بازار آنکه ها و  
فیال، شاهزاده اند.

و در حوزه کار زیان شناسان قابل فور و  
بررسی است.

\*\*\*  
گفته شده است که ادبیات تاریخ زنده  
لتهاست. این امر بیشتر باشد از اقع

نده روان اجتماع دریک دوره تاریخی  
پردازد، دولت آبادی با "گلیدر" داستان  
و سی جوان فارسی را به این شاهراه  
زیگ معرفت آفرینشی دوران ما،  
نمیتوان شده است. چنین نگرش گاندار و  
ویاشی به زندگی، در داستان ایرانی پیش  
از زندگی، اگر نه قایق، که سیار کمرنگ  
ست، اگر داستان توییسی در هر - و  
ویسی - با شدت ما و تجارت اصلی خود  
علی چند سده ان کلاسیسم به ماناتیسم و از  
ماناتیسم به ونالیسم فرامی روید، و اگر  
بروسره از هم گسیختگی اجتماعی در  
جوامع پیشرفت سرمایه داری، به از خود  
پیشگانی انسان و متمور پیده  
شوند.

سوزن را تیلیستی در هنر می انجام، نمود  
گوچ زمان این سبک ها و مکات گوناگون  
دنبی - که مردمان مخصوص دوره های  
عینی رشد ادبیات در زادگاه خویشند -  
و عیت افتشاش و درهم آخمنگی را به  
تلخ و داستان توپای فارسی و ازدمی کند.  
نویسنده کلیدر سالها پیش در جائی  
نفته بود: «دانه هنر به میلت خود و دری  
آن و باز نهادن دش سیار محتاجیم و تا به  
این امر پر تبریز، همچ اثر اصیل نتوانیم  
توانست رپداخت»؛<sup>۴</sup>

و کلیدر چه امیره شگرفی از اصالت  
جای بومی، هادات، سنن، اخلاقات،  
مبادرات و روانشناسی لایه های مختلف  
جهتمانی را هر ضه میکند و چه گوشه های  
بنیان و ناپدیدی از زندگی ملت ما را به  
جهنمباشی می گذارد، ادبیاتی از این دست «از

هر تاریخی زندگه تر و خوبیتر است.  
در این میان نیوچ آفریننده تویسنده در  
روایتیک چنین تصویر چند بعدی، مهترک  
جانداری از زندگی واقعیت اجتماعی  
الاترین نقش را ایفا کند. در کلیدر  
و انسانیتی اجتماعی با تاریخ در هم می  
میزد، تحلیل منش های فردی از مشنور  
خاستگاه ملتفاتی آثار صورت می گیرد،  
در وفاکوی دهنما و مدمها مشخصت،  
و انسانیتی اتکای تویسنده بر دستواردهای  
و انسانیتی ملولی است و بر فراز اینهمه،

کلیدر، کوهی است در گزگاه سریزوار  
و نیشاپور و قله ایست سر به فلک کشیده بر  
پعنده ادبیات معاصر ایران. ادبیات معاصر  
ایران در یکی از استوازترین دوران  
حیات خود، شامد سریزوار و دن آتشنشان  
ظیفی "کلیدر" از دل اقیانوس فرمدند  
مردمی ماگردید.

رمان ده جلدی "کلیدر" به این اعتبار که سنت های رایج داستان نویسی در ایران را دچار تمولی ژرف کرده است، یک شاهکار است و به اعتبار شفقتگی و طراوتی که به زبان فارسی بخشیده، یک رویداد بزرگ فرهنگی و یک نتیجه عطف در تاریخ ادب معاصر ایران است.

پیوند بفتح هنر با جامعه تها در این  
خلاصه نمی شود که درونهای اثر هنری با  
عمیق ترین مسائل اجتماعی دوران  
سیاهیزد، نیازهای معنوی و ریاضی شناسی  
مر هصر در آثار هنرمندانه که با روح زمان  
خود پیوندی نهاده دارند بازتاب می  
باشد.

باين اهتمار کار دولت آبادی در قلمرو  
نثر فارسی، همانند کار نیمادار تلمرو و شعر،  
حاصل پاسخ به یک ضرورت تاریخی است.  
ضرورت دگرگونی در بنیان زیبایی  
شناسانه زبان فارسی و مهارت ساختن آن  
با نیازهای فرهنگی - معنوی جامعه  
معاصر، ضرورتی که از آغاز قرن حاضر  
طلایه داران صدیق فرهنگ ملی و مردمی  
مارابه تکاپو و خلاقتی و اداشت.  
رسیدن به هوای اراده دادهای نزدیک  
گلکلید" بکباره صورت نگرفته است.  
عنی مکاشته ۲۵ ساله دولت آبادی در  
تلمر و زیان، نمی تواند به تنهایی توضیح  
دهنده این تحول شکرف نثر فارسی باشد.

«کلیدر» بواقع حاصل بر آیند مجه تلاش هائی است که ملی نیم قرن اخیر از سوی یاکب نویسندهان، محققین و زبان شناسان فارسی صورت گرفته است. تابلوشی داده است اینکه در کلیدر تصویر می کند، رنتین کمانی است از گونه گویان شخصیت ها و مشن ها، تک گفتارهای سیاسی درونی - یا گیسختگی ها و تقطیع های طبیعی اش - توصیف دقیق ، تصویر واقع بینانه و ترمم استادانه حالات ، روایات ، موقعتی ها و مکان ها، توصیف شاهراه اند زیبائی های طبیعت و انسان و جاودان کردن آنها در قالب تابلوهای پر نگار، با سایه روشن هائی پر جذبه و خیال انگیز.

نویسنده "کلیدر" پیچ و تاب های کلام را  
با فناوری امچار انجیزد، در قالبی یکدست و  
همانگ اروته مینکند، کلام در کلیدرباتب  
و تاب های زندگی می تپد، بازیگرانی ها و اخ  
می گیرد و در یکنواختی های روزمره  
از آن می شود.

اما هلیرغم این روشنانی ها، سخن  
ورزی نویسنده کلیدر - واز این جنبه هم  
کار دولت ابادی با نواعths کار نیما تابیل  
تیاس است - شاه با افراد اطکاری هایی توأم  
است. تعطیلی های مکرر و جا به جایی کلمات  
بعطا جنبه تشقی بخود می گیرد.  
استفاده وسیع از کلمات محلی بویژه در  
توصیفات خود نویسنده، به زبان روایتی  
فارسی - که کاربردی ملی دارد - خصلت  
ملی می بخشند. استفاده از کلمات متسبخ  
که در جهانی زندگی انتها را از گردونه  
خارج ساخته و کاربردی در زندگی امروز  
نداشته باشد، با جهانی زندگی امروز فارسی  
محبوان نیست.

و این ویژگی ها در کتاب هم، به سیالیست  
و روانی نظر داستانی سکتگی وارد گردید و  
ذهن خواننده فارسی زبان امروز را، در  
تعقیب بلا و اسطه عوادت داستان، تاحدی  
دچار گشت و خستگی می کند.

با اینهمه به گمان ما تفاوت نهائی در  
مورد کاری که دولت ابادی با شر امروز  
فارسی کرده است، نیاز مند گذشت زمان

کدام عشق؟ روش نیست، نویسنده  
می‌گوید: غود عشق! و با توصل به این  
مفهوم مجرد و انتزاعی، یکباره از همه آن  
جهنه‌های واقع بستانه و غلیل دیدگاه خود  
ناصطله می‌گیرد و با شفطه خود را در  
نظری مه‌آور فرقان ناب ایوانی، قریمان  
خود را در مسلخت مشقی گشته و مجرد  
تریانی می‌گند.

مرگ حمامی، مرگی است در جهت  
باندگی، باندگی دریافت ها و آرمان های  
انسانی تقدیر می این باشد. این بالندگی در  
لحظه مرگ، خاطر تقدیر مان را انساطوی  
بخشد. او در برای خود چشم انداز روشن  
فردا مامی بیند.

اما گل محمد، بیچ چشم اندایی در  
برابر خود ندارد، او دلزده، مایوس و  
خسته است، تردید و دو dalle تا به آخر  
چون خاری در قلب گل محمد و ستار من  
خند، بکمان ما در زنگی واقعی، پنین  
تردیدهای جانکاهی راهه را برای تسلیم  
می برد، <sup>۱</sup>ولی محمد گرفتار شده در بد  
منگامی می این گرفتاری را پسیدا کرده  
این جنگ دارد مسخ می شود دار تبدیل  
می شود و بک مهدیان، <sup>۲</sup>حداد

اما اراده نویسنده چنین مرکزی را به  
تهرمان حجمیل می کند، هر چند که تایه  
آخر عشق هراتی نویسنده نمی تواند خلا  
حافظی - روانی تهرمان را پیر کند. گوئی  
این مرد ساده بیاناتی در قاب آن روح  
مرجد و ازتعالی که نویسنده برایش  
پرداخت کرده نمی گنجد، روشکشی می  
کند و می خواهد بداند چرا و ببای کدام  
حقیقت رباری می فود؟!

دور شدن از اکنیه های مادی و  
ملموس زندگی، تنهای شدن بر در اضطرابی  
کننده رفاقتی نمی انجامد، مشن و کردار گل  
محمد در شب حادثه دقتاً متأثر از افسانه  
های ملی و مذهبی است، همان بخشش ها  
بزرگواری ها و کرامات عیار آن و همار غانه،  
کل محمد هم مابتند !! امام حسین !! مهمه  
اطراف ایشان را رخصت می کند و تنها با  
نزدیک ترین بازار خود به تنگاههای می  
رود، چه سعادت های فربینی میان پشت  
کردن مردم کوئند !! امام حسین !! و  
خالی کردن پشت کل محمد از مردم و مردم  
خرسق وجود دارد و چه قربانی میان  
شخصیت بیک محمد و علی اکبر حسین !!

وقتی تجیل هنری از روندهای واقعی  
کند می شود، حیلی سریع رنگ و بوی  
فرهنگ معنوی و سنتی حاکم بر جامعه را  
به خود می تیرد و فرهنگ مهازن ساله  
مردم را کنی رنگ و بویی دارد، و این  
فرهنگ، اندشه سرگش و واعظ بین  
نویسنده بزرگ مار اتحت تاثیر قرار داده  
است \*

۹۰ میان اینو روایت‌در هم پیچیده اجتماعی، یکی از شاخص‌های قابل انتبار برای سنجش درجه پیروزی طبیعت انسانی بر ددمنشی، نوع مناسابی است که زنان و مردان یک جانعه را بهم بینندگی

دید. (۵) از این راویه، رئالیسم دولت آبادی، یا راه بردن به عمق این مناسیبات، به روش ترین وجهی، جوهربانی فیر انسانی، خشن و بدوی را امتعقب مانده اجتماعی را شکار می کند. امری که نمی تواند در تناقض با موضع آرمانی تویسنده و عشق پر شور او به سنت ما و احکام های تو می قرار نگیرد.

سرنوشت «شیرو» تها یک نمونه تبییک از انتقاد و درمانگری زن در چارچوب مطابقی عقب مانده و سنتی است. مشخصت های زن در درگیری با اصل وفاداری تویسنده به قاتونندی های زندگی و اتفاقی - بدون استثنای در چنبره خشن روایطی عقب مانده دست و پا مو زند روایطی که معبایران اخلاقی خوب و بد آن را تعلما و شاه های خودخواهان قلب برده، میزان می کنند. پس عشق اگر در نقده د صفحه بعد

آری، اما نویسنده خود به گنجاندن آرزو و در  
هنر باور دارد، اما بینم چگونه؟  
\*در بعضی از این قهرمانان یعنوان  
فرزند - ملوا بر حوصلات ارجی -  
مقادیر از خواست های را در هم تصفیه  
است، چون در هنر به فضایی که من از آن  
یاد دارم، امکان گنجاندن خواست و آرزو  
هم هست. لبته بربط غروری آرزو با

موقعیت قهرمان را قید می کنم. «(۲) آری و نه تنها بربط ضروری آرزو با موقعیت قهرمان، بلکه امکان غنیمت یافتن ازمان هادر فرنگ معمنو جامعه و در پیش از مردم چهار مردم تھار آرمان فراز قابل تحقق را جذب می کنند و در فرنگ معمنو خود بعنوان هنگار زیبائی از آن سودمند جویند. آیا شایطان جامعی امروزین، به سیداش قهرمانی جون «وقل

مدد؟ و اگر میدان می دهد؟ آیا قهرمانی چون گل محمدی تواند پاسخگوی آرمان های عدالت خواهانه جامعه امروز می باشد؟

نه. دولت ابادی در مورد گل محمدی، با برهم زدن وحدت دیالکتیکی دنیا را درونی قدرمان و بحیط اجتماعی او، به موضوع تاریخیستی می لغزد و چون این تاریخیستیم با حرکت پیشووند زندگی همیسوئی ندارد، فاقد خوش بینی تاریخی است.

دولت امدادی گل محمد را تصریمانی  
و «حمسای»<sup>۱</sup> می داند و بگمان مگل محمد  
بیشتر تصریمان یک ترازوی دی است تا یک  
حمسایه، چرا که حمسایه حقیقی نیست  
و حدت و مهامانی میان فرد و حمسایه شکل  
می گیرد و بر عکس ترازوی دی که محصول  
نامخواهی میان آرزوهای فرد و  
متضایط حبیطات اجتماعی است،  
میان آرزوهای گل محمد و محیط  
اجتماعی او، و حدت و مهامانی وجود  
ندارد، واقعه را باید بیاوریم و حرف های  
آن پیرون رو سلطانی را وین بستی که گل  
محمد به آن دچار می آید<sup>۲</sup>: در خرسف ما  
شکست خوردهیم، مردم به ما جواب رد  
دادند، من با دستخای بنی صادی مردم از پا  
درآمدم<sup>۳</sup>)

امروز تصریمان حمسایه را تنها این  
خواهند کردند<sup>۴</sup>، ۱۹۷۳، ۱

و دیدیم که چه اسان تفک های انگلیسی اینه باش، این شیر بشه را، در انزو او و تنها عیار در نکنی از پادار آور دند.  
گل محمد خود خود ب این نامه امنیتی با محظی باور دارد.<sup>۴۴</sup> در من چیزی کم بودو در این زندگی هم چیزی کچ، میان ما و زندگی یک چیز نیست ماند. هادر آمدیم یا زود هرچه بود بموقع نیامدیم.<sup>۴۵</sup>  
گل محمد دیر آمده است، خلی هم

دریز، پیغمبری های صحنه کاره از امروز  
از آنها شور جنگجویانه و ایشکار خایت نمی  
کند.

هرگز حیاتی، مرگی اختتام ناپذیر  
است، اما این اختتام تا پذیری را ضرورت  
های معین روند پر خشم و پیچ مبارزه به فرد  
تحمیل می کند و نه شور درونی قدرمان به  
جانبازی، قدرمان حسایی می میرد تا

چیزی بزرگتر و جاودان ترا از وجود  
میزینکی خود را نجات دهد، آرمان  
جهنمی و انسانی خود، آن حقیقت  
مکانی را  
آیا گل محمدتا واپسین لحظه زندگی  
میداند که با مرگ خود در پی نجات کدام  
حقیقت است؟  
«کار ما از اول یا تاچاری سرگرفت و با  
قرور دنبال شد. چندی است که با عقل  
خلاصی اش می کنم و در این منزل آخر می  
خواهم باعشق تمایش کنم.»

ین جانازی ها و ایثارگاه در شکلی متعالی  
تر و خردمندانه تر بکار می آیند و تاریخ  
عده این هنایی را به روای مردمی  
خشیده است که تک تک و در از هم در  
سیاه چادرها نمی زینند بلکه کار هم و  
تیریک خیمه اند خیمه سیاه سر مایه !  
دولت آزادی خود می گوید : ”...”  
برد - بویژه هنگام در پیش گرفتن همای  
جتماهی - جز در وابستگی با مردمی  
همگون معتنی نمی یابند، مگر اینکه هلت  
عمل ندادستن باشد و یا فرض عمل شهادت .  
این بدان جمیع است که انسانی بخواهد  
و همان خود را در خون کشکت بشوید و  
بطریک نکد . رئارتی به روای هرچنان  
دلسوز نهاده قصه های پای کرسی !  
این توپسنه کلید را با گرسی !  
منین نمی کند ؟

\*\*\*  
انسان و محیط شخصیت و شرایط  
جتماعی شکل دهنده آن، از یکدیگر  
هدایت تابدند.

شخصی قدرمان را تجلی آزادی درونی او  
استقلال فردی اپنار مرغ نواع تاثیر محدود  
نگذانده اجتماعی می باشد، در رهاتیستم  
و حادث دیالکتیکی بیان درون و پیرون  
شخصیت، به زبان منظر اجتماعی بزیرم  
سی خورد و دنیای فکری - معنوی قدرمان  
صورت حوزه مستقلی ارائه می گردد.  
رئالیسم، تحلیل شخصت از از هنگذر  
پژوهش در محيط و آن هم پژوهشی از یک  
بیدگاه تاریخی ارائه می کند. خاصیت،  
عملیات و دنبانی تذکری قدرمان رئالیسم،  
طور ارگانیک با محيطی در پیوندند که  
خود ارجمندی در آن است.

نحوه پرداخت شخصیت ها در کلیدر،  
طور «موم»، مبتنی است بر دیدی  
نالاستی و پویا، روانپردازی شخصیت ها  
بنان چادران و پر تحرک است که با مر  
عایشه، دگرگونی روایی در شخصیت رخ  
ی نیاید - گویندی دولت آبادی با هریک از  
هر مانان خود سالمازیسته است - ترسیم  
نش و درونیات عیاسجان، قدری، نادعلی،  
پیور استادانه و شگفت انگیز است.  
ویسنده در خلق همه این شخصیت ها، از  
مود فراتر می رود و باز گوئند و اتفاقیت  
روانی و فرانکنی بیرونی قهرمانان می  
مود.

بست. دولت آبادی در خلیق تهران اعلیٰ  
بوده، از دیدی رئالیستی فاصله می‌گیرد.  
قول محمد، شخصیتی سمویلیک است.  
نبیل جوانفرمودی، هیماری و وارستگی  
حقوقی. با اینهمه پروسوه بالست و  
رازنمایی روانی گل محمد از محیط  
اجتماعی شکل دهنده او متزعزع گفته  
است.

براستی چگونه این ساده مرد بیانی  
ه حتی سواد خواندن و نوشتن ندارد و  
همی از زندگی اش بر پشت اسب و در  
دال های قومی گذشته است، ناگفان به  
نان پیچیدگی های روانی - فلسفی ای  
ست می باید ؟ گفتارهای درونی گل

حمدلله اخبار پیاوایر و میر  
کجاست آن موامل غینی که آشخور  
نهین چیزی دیده های معنوی در قدرمان  
ی شود ؟ تاثیر ستار ؟ نه ! خود چنان  
یقنته و مقوه تعدد معنوی قدرمان است  
ه فیمه حساب های خردمندانه را بگسرو  
ی نند تا وفاداری خود را به اثبات  
سانده.

کلیدر... بقیه از صفحه قبل

آرماتی خودویژه بسربازاند.  
وقتی در چین مطبوعسته ای، اینچمه  
شناقی میان خواست مردم وجود دارد،  
پس سیاپید از قلعه چمن فراتر بروریم و  
بیشم در سبزوار و مشهد و تهران چه خبر  
است؟

البته ما - بقول خود دولت ایادي - در  
اینجا طالب آن نیستم که تو بسنده دست  
به ایجاد یک "طبقه کارگر سوسنی" در  
طقه چمن می زد و رسالت قل محمد را بر  
دوش او می گذاشت، چنین دید قالی و  
تنک نظر اهانی - چه در رمینه کار سیاسی  
و چه در قلمرو هنر و بویزه دل غمرو هنر -  
نمایانگر ایجاد فکری و عدم درک روح  
و اقیزندگی است.

ما برآتیم که اگر رئالیسم دولت آبادی  
ابعادی و سیع تربخود می گرفت، اگر رکه  
عاقی از خیرش اسری مردم در سالهای  
۳۷-۳۴ به این اثر راه می یافته، و وضع  
آرمانی این اثراست فخر از این بودکه امروز در  
کلیدربان مواجه می شیم.

بزاستی که تاریخ بازی های بیرون جهان ای با  
آشنا نهاده اند.

نصر "کل محمد" عصر شورش ها و  
عصیان های فردی است، عصری که عمر آن  
به پایان رسیده است، این را خود گل  
محمد هم می داند، جلال سمنانی درویش  
او هم این را بازگو می کند، اما نویسنده  
بزرگ ما چنان در جاذبه خلق تصریحاتی  
اصلی و آرمانی گرفتار مانده، که وقتی  
حرکت قانون مندن زندگی - و ندرت  
رئالیسم هم در این است که نمی تواند در  
حقیقت خلاف قانونندی های زندگی عمل  
کند - تصریمان اور از صحته نیستند، بر  
مرگ او چنان مowie می کند که گوئی صفر  
همه قهرمانی ها و جوانمردی هاسرس آبده.  
هم عشق و ایهام برشور به یک آرامان  
انسانی سر آبده و از این پس تها کینه  
است که بر دنیا حکم می راند، این را از  
تول تصریمان خود به "خان محمد" هم  
می گویند.

شگفت آور است، دولت آبادی خود در  
جاشی می تویسد: "این محیط اجتماعی  
باست و این ایندیلوژی حاکم بر محیط  
ماست که بر بر سرستی فرد نکمه می کند" (۱).

بنظر می رسد که محیط اجتماعی،  
حتی اندیشه سرگش نویسنده بزرگ مارا  
هم، رام کرد است، گل محمد، سهل  
شق و پایه دی است، کشته می شود.  
نویسنده ستار راهم -که آمیزه ای از خرد  
و فوای به عهد است، البته تعهدی فردی  
در قبال قدران داستان و نه تعهدی  
اجتนาوی در تبل ملت و تاریخ آن -پیاپی  
قهرمان خود قربانی می کند، «خان  
محمد»<sup>۱</sup> نعنوان سهل کنندگانه می باشد تا

از دنیای دون پرور، انتقام بکشد،  
و شما تجسم کنید دنیائی را که به صحنه  
زد و خوردها و انتقام کشی های شخصی  
بدل شده است !

قطعاً اینه ال انسانی و اجتماعی دولت  
آنادی این نیست .

روش است که هرگز حان محمد  
 هم، قادر نیستند ولو خشته ای از ساختهای  
 ستم را کج کنند، یادآمدی که چنین کور  
 و غریزی می شورند، بی هیچ مقابله‌گی با  
 محکتان خود.  
 آنان هزار بار هم اگر بشورند، باز تم  
 قربانی شوه‌اهدند شد و قتل از هر چیز قربانی  
 شرایط اجتماعی زندگی خود : قربانی  
 تاریخ!  
 اما نه عمر عشق بسرآمد و نه عمر  
 ایمان پر شور به یک ایده‌ال انسانی، مهم

## مبارزه با اعتیاد به سبک آخوندی

سیاست های استبدادی و ارتاجیاتی رژیم جمهوری اسلامی خود از هوام مصمم شدید اشکال گوتاگون تاهمجارتی های اجتماعی، از جمله انتیاد است. استبداد حاکم بر کشور ما و تهمبیت ارتاجیاتی رژیم بر مردم، محدودیت هایی که در زمینه مر نوع تنفس سالم و ورزش ایجاد شده است، زمینه ساز افزایش گرایش به اعتیاد، نساد و فحشا بوده است. وضع بد اقتصادی مردم، بیکاری و بی ایندیگی، عدم دسترسی به تجهیزات و تسبیحات ایلکترونیکی و خودروگی که مانع احتساب ۱۰ سال حکومت آخوندگانست. گروههای بیشتری از جوانان بی پناه راهی اعتیاد کشانده و به دام شیوه های تاچاقچیان حرفه ای و توزیع کنندگان تربیاک و هروئین می اندازد. حال جمهوری اسلامی در آخرین اقدام نفرت انگیز بود. تضمیم گرفته است که معتقدان را به اردوگاه کار چباری روانه کردند و آنها را در آنجا زنده بگویند. چنین قساوتی در حق قربانیان و غریب خوردهای تنهای این رژیم مستبد و ضدمدرحسی برمی آید. معتقدان بزای گذشته بی تندگی شر امنیت‌دانند و انسانیت یازمان‌دروران و درمانی و مراقبت آنها بدهی اینها ممکن داده شود تا با تلاش خود و خانواده هایشان ایندهیان شاهد شده خود را بیارایند و زندگی دویاره را آغاز کنند. اعدام و اعزام به اردوگاه شکنجه چون گذشته بی تندگی خواهد بود. به جای رهگاه کاراید آنها را به مراکز درمانی معجزه اعزام داشت و از دستوارهای پیشتر فته علم پزشکی جمیع معالجه آنها سود حست و آنها را تحت مراقت پزشکی و مددگاران اجتماعی قرارداد و به زندگی شان امید بخشید. برای درمان این یکه اجتماعی اعمال توسرکوب و اعدام قربانیان چاره ساز نیست. و باید آزادی بشکنند تهمبیت اتحاجی و محدودیت های کوتاگون

پایان ماجراهی شیرو را پیدا بیاوریم و  
”گزینیکی“ را که بلقیس با خشم از آستین  
بیرون می‌کشد، اوچ در ماندگی از  
آری، بگمان مایکی از شاهضه‌های تابل  
اعتبار در سنجش در جه پیروزی طبیعت  
آنستانی بر دده‌نشی، نوع مناسبتی است که  
زبان و مردان یک هم‌جایه را هم پیوند می‌  
دهند. کلایسم دولت آبادی توائی است.  
و قوی ترین شکلی دارای داشتن  
زندگی ایرانی را، برای تخفیفین بار در  
ذیبایات مازنده کند.

- (۱) ناگزیری و گزینش هرمند
  - (۲) دولت آبادی - ناگزیری و گزینش هرمند
  - (۳) بخشش از صحبت های گل محمد
  - (۴) صحبت های برادر گل محمد در مورد
  - (۵) انداده از ما کس

اوایل تیرماه ، مقامات جمهوری  
سلامی اعلام کردند که بزودی پنجاه  
هزار تن از معتادین به مواد مخدر را به  
روشگاهی کار ایثاری اعزام خواهند  
داشت و ۴۵ هزار نفر دیگر از معتادین را  
برینظر سازمانهای وابسته به زندانهای  
شهری تراز خواهند داد در هیین حال مطیع  
سایهای اخیر براساس آمارهای حکومتی  
یکشنبه ۷ نفر به جرم خرید و فروش و  
صرف مواد مخدر در تناظم اختلاف کشور  
عدام شده اند ، اعدامها ظاهرا براساس  
نانون تشید محابری که به تصور  
کشوری از جمله احتیاد و حشاد و زدی به  
عدام و سنتکسار و قطع دست و پا متول  
بیشود و چهره قرون وسطی خود را به  
جیع در انتظار عموم بدار اویخته  
مشوند .  
این روش میشگر رژیم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی است که برای چاره  
کنونی و باصطلاح درمان بیماریهای  
جنایتی از جمله احتیاد و حشاد و زدی به  
عدام و سنتکسار و قطع دست و پا متول  
بیشود و چهره قرون وسطی خود را به  
نایابی می کنار ، سالها پیش نیز خلخالی  
دستور حکمی صدنه نفر از جرم خرید  
و فروش واستعمال مواد مخدر تیرباران  
کرد ، اما سال بعد سال میزان تاچاقله مواد  
مخدر و تعداد معتادین کشور را چند  
میگردند . اکنون پس از ۱۵ سال حکومت  
خودنی احتیاد و ابتلا جوانان به مواد  
مخدر به طرزی ساخته ای افزایش یافته  
است و حال صعبت از وجود دو میلیون و  
پیشتر از دو میلیون معتاد در کشور  
است و مساله احتیاد بمنایه یک مشکل  
زرگ اجتماعی مردم را تگران کرده  
جوانان میهن مارا پیشتر از پیش تمدید  
کنند .  
در پنی و وضعی رژیم برای باصطلاح  
بیماری به مهو فیزیکی و کشtar سمعانه  
معتادین و توزیع کنندگان خرد ، این  
را برایان تاچاقله ای حرفه ای متول شده  
است ، این در حالیست که هوام و مجرم  
عای رژیم با همدستی سران باندهای  
فقائی مقیم ایران از گردانندگان اصلی  
بینکه های قمده قاچاق های نظامی در قرب  
سناطیق تمرکز تیرهای نظامی در قرب  
کی از مرکز ابتلا و توزیع مواد مخدر

خودگریبی می برد و نفرت تلخ نسبت به رقیب پیروزمند را در زیر پوششی از عشق و محبت خواهارانه پنهان می کند، تا در آفرین امتحان، بایشی چستن از رقیب در قربانی کردن خود، برتری اشرار حداقل پس از مرگ به اثبات برساند، یکی ر قوی ترین پرداخت های روایی کلیدر ر مواد «ریوی» صورت گرفته است. دلوات آبادی با ظرافت رابطه پولشویی میجتنه باشدگمانی مارال وزیر و زبانیا می گذارد و بیز شفاقت پنهان زندگی را در تناقضات هافظی - که کامیابی جز با پایمال کردن قلب دیگری میسر نمی شود!

اما مهم زخم های چرکین خانمان در تلب بلقیس سربریز می شود تا به روح گره خورده و چقر او تجسمی مادرانه بخشند و می بخشند. بلقیس شکل پیری همه زنان و شخصیت تعیین یافته ممه مادران در مناسباتی مرد سالارانه است، مادر! آری، همان کسی که چاره ساز ممه ناهار پیهاست و ماینه نممه خود چنان زیون و فتداده که در این بر این شرکتمندی زاده اش پیشتر چون کنیکر بر خاک می افتاد و حیاتی از دختر سمشیسته خود را، او احصار میطلبند.

## اعتراض بزرگ کارگران معدن شور وی

ین میزان از تولید خود آنان، بودند.  
اعتراض کارگران معدن بر تداوم کار  
و تولید نتایج تاثیر جدی داشت، زیرا به  
کمی امده بزرگ ساسی و اقتصادی اعتراض  
برای شوری و پرسترویکا، گارباچن و  
کمیکوف، سمن پرخ و هرودن خواسته  
بهاي کارگران، خواهان قطع اعتراض  
شدند. از اين‌رو دولت نيزوی بزرگ را  
برای حل اين مسئله اختصاص داد و  
کميسیونی از سوی دولت مأمور مذاکره با  
کارگران گردید.  
بدنبال توافق میان کميسیون اعزامی  
دولت و کمیته اعتراض، فعالیت مجدد  
در معدن سیری آغاز شد و بعضی اعظم  
اعتراض کنندگان به سر کار خود  
بارگشتد.  
امتیاز هائی که اعتراض در پی داشت،  
محرك بخشی از کارگران معدن در  
برخی جمهوریها شد و آنها نیز اعتراض  
کردند، خواهان امتیازات مشابه شدند.  
شروع اعتراضات کارگرانی در پی  
اعتراضات ملی در اتحاد شوروی، دولت و  
حزب را با مسائل مددی روپرتو و مکند.  
مسائل و مشکلاتی که روشه در گذشته  
دارند، شرایط ناشی از این نارامی‌هاي  
اجتماعی، وضع حساسی را پیدا وارد  
است. توجه حل این مشکلات آزمون  
بازارسازی است. درست از همین نقطه نظر  
بررسی واقع بینانه خواستهای کارگران،  
مذاکره و توافق با آنها و بر این مبنی خاتمه  
اعتراض یکصد هزار تنی کارگری در  
سیری موتفقیتی برای سیاست بازارسازی  
است.

همه خفت و خواری، به دریوگی سرینه،  
بیان برادری می اندازد که روزگاری  
گیسوانش را به جرم مشق بردیده است.  
مناسباتی که زیوی، تکمیل و واماندگی  
نیمه ای پیکر اجتماع راه شاهده فیرت و  
سر بلندی خود را می داند.

در هفته آخر تیرماه، کارگران معدن  
در یک منطقه سیبری، اعتراض کردند.  
اندکی بعد اعتضاب معدن تمامی منطقه  
سیبری را در بر گرفت، در پی اعتضاب  
کارگران معدن سیبری، بخشی از  
کارگران معدن دشال سینگ در اوکراین  
نیز شروع کردند، بدنهای این اعتضابات  
گفته میشود که از کارگران راه آهن نیز  
در خواست اعتضاب شده است.

در اعتضاب معدنگران، بیش از یکصد  
هزار تن کارگر و حدود ۱۶۰ موسسه  
شرکت داشتند، ولی نیروی ایمنی اعتضاب  
را کارگران معدن تشکیل میدادند، این  
اعتضاب بزرگ بوسیله کمیته های هدایت  
میشد که توسط کارگران تشکیل شده  
بود، در رأس اعتضاب کمیته ای از  
نایندگان کارگران قرار داشت، ریاست  
یک کمیته را نایندگانه گنجید خلق بر قوه  
داشت، این کمیته برای هدایت اعتضاب و  
غلوگیری از نظاعی، فروش موشک های  
رافکو کرد و واحدهای انتظامی کارگری  
تشکیل داد، محرك اعتضاب، وضع بد  
رفاهی، الودگی و عدم امنیت محیطکار و  
بر حی مواسنه های دیگر صفتی و عدم  
پاسخگویی به آنها طرف مسئولین و بی  
اعتباری به پاسخ های آنان بود،  
کارگران همچنین موستانار افزایش  
دستمزد، محدود کردن سالهای کار  
معدنچیان در معدن زیرزمینی، افزایش  
روزهای مرخصی با استفاده از حقوق تا  
۴۵ روزه، بیرون شرایط کار در معدن، حل  
بساله مسکن و اختصاصی ۱۵-۱۰ در صد  
تعداد کارگران، همه اینها کار و بی

کلیدر... سقمه از صفحه  
قلب مردی شورید، هرگز رانگیز و بمحار و  
رواست، چه جای حاشا و قتنی بیک اشاره  
می توان تهم مردان قیله را بسیج کرد،  
سوار بر اسب و رو به سوی فتح خانه  
مشغول، مگر نه این است که آتش بهم  
درگیری ها و حوادث بعدی داستان در  
کلیدر، با جوانسرا مديارو کشثار  
چارگوکشلی برآور و خنده می شود.  
اما آیا مهم آن فجاجع و خشونت های  
بعدی که تمنی هناتی را متوجه مرد  
دمادا می کند؟

نه! شگفتگی که نویسنده هم، همراه با  
تمرکمان خود بر ناکامی "مدیار" می  
موید اما...  
اما تنگ هشق در قلب شیرودی جوان را  
هیچ فردی از خانهای تاب نمی آورد. تنها  
کیله های بربدی گیسوی دختر، زخم قلب  
پدر را درمان می کند و خفت و خواری  
خواهود را در میان جمع، فحروز و فرست پامال  
شده برادر را در میان می بخشند.  
همان برادری که در ادامه داستان،  
خودی می بینایا هاشق می شود، بن تقاضات به  
مه و موانع و حتی بی تقاضات به تعبیر یا  
عدم تعبیر دختر، باز هم همه مردان قبیله  
را ایرای تصاحب دختر بسیج می کند و به  
حرست می تازد، همان برادری که چون  
خود را ناکام می کند و از این طرز شدید  
موجودی ایتدائی، سری به سفنت آسمان می  
کوید و خشونت خود را در نابودی قله  
های روتستانی فرومی نشاند.  
نه! فیرت و مردانگی چنین برادرانی  
تنها زیبنده مناسباتی علیورتی است.  
مناسباتی که روح زن راچان در همار می  
گیرد که همترین مرکشی به شکست و  
سرشکستگی می انجامد، همان را بعد از مناسباتی  
که "شـ" و "هـ" همان را بعد از تحمل آن

برای خرید شرکت های با تولیدات فیر  
و ایجاد نظامی بوده در هر صه های با تکنولوژی  
پیشرفتنه که نرخ سود آن نه فقط پایین  
بوده بلکه گاهی بالاتر از تولید استحکام  
بوده است، این تدبیر را تحقق می پختند. این  
با بروزه به کنسنترهای که تکنوتون به  
توابع و سایر حمل کلامک های مستهک  
را کشت و بعد افکن اشغال داشتند، مری بوط  
می شود. مسلماً این کنسنتر ها در آینده نیز  
حوالی پنهانه ای ایست و مشک ام - اینکس  
توابع خود را امن کرد، اما احساس می شود که  
ازار اشیاع شده و بلامظیسی ای نیز چندان  
مقدار کننده نیست.

اکثر محققین خاطر نشان می سازند که دستگاه تولیدی صنعت معاصر بجز موارد بسیار استثنایی به صنایع فیر ظاهراً نزدیک میشوند و تبدیل یکی به ایگری ممکن نمی بفرمایند زیرا این کار را بزرگترین کنسنرین ها با داشتن امکانات سعی جهت مانور و ذخایر بر رگ مالی به سادگی میتوانند اینجام دهند. سخت ترین مکان تعریض را موسسات نه چندان زرگ (بیش از ۱۵۵ هزار موسسه در هریکا) که عقبنویں م Catastrophe کاران درجه ای سرو شست خود را به مقاطعه کاران اصلی بتاگون و ابسته کرد همانه دارند. بدین ترتیب اختیالاً بدون بر تابه ریزی؛ از گشت به وضع ساخت در واقع عملی

خواهد شد. در این برنامه‌ها میتواند امکان رشد  
الاگاهی مصربی، قراردادهای دولتی  
راز ساختهای مای فری نظامی و گسترش  
جاذبه را با کشورهای سوسیالیستی و در  
حال رشد را ترتیب بسیار آورده استفاده  
مامل از تکنیک و تکنولوژی معاصر برای  
روزانتر کردن تولید کالاهای مصرفی و نه  
ای از ساختن انواع جدید سلاح مبنیان به  
زیارتی این قابل توجه خواهد بود. در  
بین این دو وضع معمومی اقتصاد دست یافت.  
از های جدید چندان مبتاز ننموده بود.  
با نظر میرسد که بطور کلی این بزارها  
مودمندتر از سیستم کذایی "درهای  
ردن" که در آن منافع کنسنرها و  
لیلیتاریستها یکپارچه می‌شود، خواهد

اما انتظار اینکه مجتماع مای نظامی  
نمیگذرد و متعاقباً بدو میگذرد که اینکه میتواند شووند، بد  
آنکه میتوانند خواهد بود. کنسرن‌های نظامی  
میتوانند از اینها برخانه های  
دیده تولید انواع سلاح های آلتراستراتیک و  
نوره را به هدف کامش آن را نیز تعیین  
کنند و بشرترين اميد در راه باطنه به  
خراب ابیکار دفاع استراتیک پسته شده  
است که در چشم انداز قراردادهایی (در  
میکال مختلف) به قیمت ۱۵۵ تا ۷۷۵  
میلیارد دلار ارزیدهند.

مصنوعیات پر باز هرچهاری مروج و معمول است که تولید موپایپی نظامی نامه های تولید موپایپی نظامی خواهد بود (بنابراین سفارش مشترک پنگوکن و سما)؛ موشک های بالدار بادقت زیاد و نیز را بازه دیگر انواع جدید سلاح های مادی درون که بلطف قدرت تخریبی دست می از سلاح مستهای ندارند، مستند شار بر زاپن و کشور های اروپای فربی ای ایراشیان تولیدات نظامی تقدیم نمی شود. تجارت بین المللی اسلحه که به مبلغ ۳۵ میلیارد دلار در سال رسانده است کشایش سریع شبکات کنسنر های نظامی آمریکایی و دیگران در کشور های حال رشد و واکنش امنیتی تولید مسلحه های آتاک های می شود.

مجتمع نظایری - صنعتی فعال و غلط است و به شیوه خوب دایچشم انداز یهان هاری از سلاح مستهای خود را وفقی دهد، بنابراین به همراه اتخاذ تدبیری هست کاهش تسخیمات مبارزه غراینده ای عقب راندن و هفتم مجتمع نظایری - غتفتی ضروری است، نهیتوان انتظار طبقات اتوماتیک رسما یه داری با جهان آن لایه، اداشت

سرمایه‌داری بدون سفارشات نظامی نمی‌تواند مسئله بازار را حل کند، در مقالات و کتابها تکرار می‌شود، آیا وقت آن ترسیده که هر این مسئله به شووه نور شود؟

چرا تولید سلاح هنوز دلایل اختصاص سرمایه‌داری معاصر گشته است؟ قبل از همه برازی آنکه سرمایه‌داری در دوره امپریالیسم و پیرامون «جمهومی»، میلتاریسم را موجب گشت که برای دفاع از حکومت طبقاتی و استیلاجی در خارج از کشورها یا شهرهای ضروری بود. در این رابطه در صنایع نظامی اختصاص افراد پایه و وزیره مناسبی بهره سیار با، فروش تضمین

شده، مزایای مختلف و سویسیدهای فرستاده، مستقیم دولتی جهت جذب سرمایه ما به این مررصده ایجاد شده بود، آنچه که نه تن آنرا "خرانه دندی قاتونی" نامید. اما تا جتند دوم جهانی بجز در دوره های پراکنده ای قبل و در زمان جتند، اسلامه با بیانات آن مشخص می شد، تنها در سالهای ۴۵ در ایالات متحده امریکا و سپس در یکسری از کشورهای دیگر سفارش های بزرگ و قریب اینده بعنوان تنشیجه خطا "جتند سرد" و باصطلاح جتند های منطقه ای (در کره و ویتنام) به پدیده ای قادر تبدیل شد، بر این پایه یکسین های تخصصی نظامی دایمی عالی وجود آمدند که با سران میلیتاریست چوش خورده و مجتمع های نظامی - صنعتی را تشکیل دادند، در ترکیب بورژوازی انصاری گروهی بندی متفقی پدید آمد، که برای آن تولید روز افزون سلاح هدف اصلی تبدیل شد.

بدین ترتیب مبالغه انتطباق با اقتصاد بدوین سلاح در واقع باین صورت در می آید؛ آیا در چار چوب سرمایه داری معاصر مکان محدود کردن و کاهش روز افزون و به حداقل رساندن قدرت و تاثیر جمیع های نظامی - صنعتی وجود دارد؟ اکثر نایابندگان مخالف مترقبی نکر میکنند که طرح مساله باین ترتیب کاملاً بجا است اما موضوع مخالف سرمایه داری که این انتطباق تا حد زیادی مربوط به تهاجم است، چیست؟

در این رابطه در میان سرمایه کلان وحدت نظر وجود ندارد. کنسرن های نظامی - صنعتی تدریجی تبدیل، اما آنها در قیمت هستند، زیرا بوزاری اصحابی بجز این سود ممکن است از تولیدات فیر نظامی بدست می آورند. طریق بودجه نظامی باز توزیع اضافه ارزش به نفع کمپانی های نظامی صورت می گیرد که موجب تاخشوندی موسسات فیر نظامی می گردد. رشد هرینه های نظامی کاهش هفت گامه می رشد اقتصادی - تشذیب خواران ساخته های در رشته های بنیادی را همراه دارد تا چه رسیده عوایق آن در ترصیه های اقتصادی - مالی و ارزی، این معرفه باقشت می شود که اکثر نهادنگان محاکمه از خواست تحدید مسابقه

سیلیحاتی حمایت کنند.  
در پاسخ این مطالب شکایت از مشکلات و حتی عدم امکان بازگشت به رخصیت سابق، یعنی گذار از تولیدات نظامی به تولیدات فیر نظامی شنیده بیشود، بطوریکه اقتصاددان لیبرال مرکایی سیورو ملن می‌نویسد، نتائج قاطعانه با قانونی که دستگاه دولت را به تعیین برنامه بازگشت به تولیدات فیر نظامی ملکت می‌سازد، خلافت می‌کند، مخالفین این برنامه ها را می‌توانند به تامیل مکاتیسم بازار را بینتوانند لیل ارائه می‌کنند، خود ملهم معتقد است که چنین گذاری خارج از توان بازار است برای میتواند موجب اخراج جمعی گارگران بشود،  
اما نایاب در مشکل یودن گذار به تولید این محصول مبالغه کرد، مطبوخات اطلاع محدود که با یافشی بینی امکان افت بودجه نظامی خود را لبید کنندگان، اسلحه سلاحی

س. منشیکف، ژوئن ۱۹۸۸ - نقل از روزنامه پراودا

## اتتماد بدون سلاح :

بدینال تکانهای بورس سالهای اخیر در ایالات متحده آمریکا، آپن و دیگر کشورها این سوالمایطور جدی مطرح شده است. اقتصاد سرمایه‌داری بعد از این چگونه انتکشاف خواهد یافت؟ این اقتصاد چگونه از تکانهای جدید و جدی‌تر که کار شناسان و پیشگویان در باره احتمال آن نمی‌توانند، در امان خواهد ماند؟ مرگ‌آفظه‌های انتشار! جمع‌بزیم، نسخه‌های پیمده شده بصورت زیر خواهد بود:

از بین بردن و بیانه حداقل ممکن رساندن کسری بودجه ایالات متحده آمریکا؛ رفع عدم توازن در بازار گازی و پرداخت‌های بین المللی و ایجاد شرایط برای ثبات مالی و ارزی.

جهانی ما را ارتقاء میدهد؟، دیر مددخواهین (نام دیگری نمیتوان بر آنها تغادار)، به نمونه هایی از جنگ دوم جهانی اشاره میکنند: اختراج را در، ساختمان هوابیمهای واکنشی، پیدایش اولین ماشین حساب الکترونیک، با چه چیزی میتوان مخالفت کرد؟ با غلیظ چیزی، اقتصاد دان امریکایی ولیوی بفری دیوم کتاب "اقتصاد متور" را که در آن بدقت این مساله را بررسی کرده است، بحاجب رساند، او سودمندی برخی اختراقات نظامی برای پخش فیروس نظامی را اثکار نمیکند، اما تأثیرات زیادی در بر ایران آنها قرار میدهد، از جمله خارج کردن منابع مادی و پولی، داشتندن و مخصوصین نفی از رصدهای توکلید فیروس نظامی، توازن کلی، منطقی مشورده و دیوم نتیجه میکند که پخش نظامی، پخش انگلی است که به حساب دیگر منابع اقتصاد به حیات خود داده میدهد.

اما دستیابی به این امر بدون کامش را دیگر ممکن نمایم. این مزینه‌های نظامی تاممکن است، چرا که این مزینه‌ها دلیل عدهه بوجود آورتهه عدم توازن هاست. پس از شکست بروس، "تیوپورک تایمز" اعلام داد که فشار به کنترله و کاخ سفید جمهت کامش بودجه پنتاگون افزایش یافته است. استیون مریس اقتصاددان انگلیسی و مؤلف کتاب "کسری دلار اقتصاد جهان در معرف خطر؟" معتقد است که بناءت از بحران اقتصادی تنها با کامش کسری بودجه آمریکا به یکصد میلیارد دلار طی سال آتی امکان پذیر است.

زمانی در گذشته تئوریسین‌های بورژوازی هیچ چیز بدی در برانگیختن رشد اقتصادی از طریق تزریق اضافی بر بودجه نظامی و دامن زدن به آن نمی‌دیدند. هم‌چنان که شهور تولید سلاح را با ساختن ابرام‌مصر مقایسه می‌کردند؛ این وهم آن بخوبی موقوف شد. این نارانداج اما در نبود راه بهتر، اشتغال را افزایش می‌دهد و در شرایط بحران اقتصادی و

بیکاری عمومی نظام را حفظ کرد.  
اما این مدعای تماه هرگاه برنامه های  
الکتروناتیو فیر نظامی دولت نداشته باشد  
بگیریم، صحیح خواهد بود، اینکه کاملاً  
اثبات شده است که کامپیوچر بیکاری با  
افزایش هزینه های فیر نظامی و نه نظامی  
بهرتر تأمین می شود. در ایالات متحده  
آمریکا هر یک میلیارد دلار سرمایه گذاری  
در تولید محصولات نظامی و نه فیر  
نظامی، باعث از دست رفتن شش هزار  
 محل کار می گردد. از سال ۱۹۸۱  
 تا ۱۹۸۵ رشد طوفانی هزینه های نظامی  
 پنتاگون یک میلیون و ۱۴۶ هزار  
 زحمتکش را ز کار محروم کرد. این رقم  
 بنایه داده های موسسه مشاوره

research associates' employment' می باشد، محاسبات تحلیلی توسط تعداد زیاد دیگری از مؤلفین هفتبر در آمریکا، جمهوری فدرال آلمان و در دیگر کشورها صورت گرفته است.

مدافعین کوئنی مسابقه تسلیحاتی به دلایل دیگری متولّ می شوند. تولید نظامی، 'لیدی' ناگزیری بوده است، اما پایان شب سه سفیداست: این تولیدات با تشویق اختراع الاهای با اهداف غیر نظامی تاثیرات منتبثی بر جای هیچ‌زارد. مثلاً بینات و ویر سایق بازیگرانی و صنایع بریتانیا کمتر غیری پنی گوش کنیم:

'اُبلتیه - ابتکار دفاع استراتژیک - یک برنامه تحقیقاتی نظامی با اهداف معینی است، اما بهره‌های خود انتراعات و تنشیاتی دارد که می‌تواند سبک زندگی و این حلولی تسبیه نیست بلکه برنامه‌ای واقعی است که سلطه زندگی را ماجمهعه

# خلع سلاح برای پیشرفت

S.T.P  
شماره ۴، سال ۱۹۸۹

سازندگی صلح آمیز میتواند ترقی اقتصادی و فکری و تکنولوژیکی کشورهای در حال رشد را وسیع‌آغاز تقدیر، بین‌المللی ترقی در نظرانی اکثریت عظیم کشورهای جهان سوم در باره این واقعیت که با گذشت هر سال، مسابقه تسلیحاتی که توسط نیروهای امپریالیستی شدید میشود، متابع مادی و معنوی آنها را به تحلیل میرود، همچنان مسابقه تسلیحاتی بررسیت شناخته شده است.

ایده رابطه مقابله نزدیک بین خلع سلاح و امکان برقراری نظام توسعه اقتصادی در جهان و تنجیت قلبی بر عقب مانگی اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال رشد در موارد متعددی در تعقیب انتقامه های سازمان ملل که توسعه جامعه بین المللی پذیرفته شده اند، انعکاس یافته است. در گفتر انس بین المللی در باره رابطه بین خلع سلاح و توسعه که در ۱۹۸۷ برگزار شد، تاکید گردید که افزایش تسلیحات مستوفی خطر جدی علیه توسعه کشورهای مطابق نظم توسعه کشورهای مکاری اقتصادی و بشیریت قرار دارند، می‌باشد.

برای تسريع ترقی اقتصادی و اجتماعی کشورهای مریوطه، مهمنشین برای محو مقتب مانگی اقتصادی در بخش های کوتاندن جهان مورد استفاده قرار گیرند.<sup>۲۲</sup>

ترقویت امنیت از طریق خلع سلاح در کشورهای بین‌المللی نزدیک بین خلع سلاح و ترقی اجتماعی توسعه کشورهای در حال رشد و سیعی بر مناسبات بین المللی معاصر و افکار عمومی جهان تاثیر میگذارد؛ به میازمه بخاطر صلح نیرو میپیشند و از سوی بسیاری از شخصیت‌های سیاسی متابه استدلالی جدی پنفع سیاست همیستی مسالمت آمیز و جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی بررسیت شناخته شده است.

ایده رابطه مقابله نزدیک بین خلع سلاح و امکان برقراری نظام توسعه اقتصادی در جهان و تنجیت قلبی بر عقب مانگی اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال رشد در موارد متعددی در تعقیب انتقامه های سازمان ملل که توسعه جامعه بین المللی پذیرفته شده اند، انعکاس یافته است. در گفتر انس بین المللی در باره رابطه بین خلع سلاح و توسعه که در ۱۹۸۷ برگزار شد، تاکید گردید که افزایش تسلیحات مستوفی خطر جدی علیه توسعه کشورهای مطابق نظم توسعه کشورهای مکاری اقتصادی و بشیریت قرار دارند، می‌باشد.

برای تسريع ترقی اقتصادی و اجتماعی کشورهای مریوطه، مهمنشین برای محو مقتب مانگی اقتصادی در بخش های کوتاندن جهان مورد استفاده قرار گیرند.<sup>۲۲</sup>

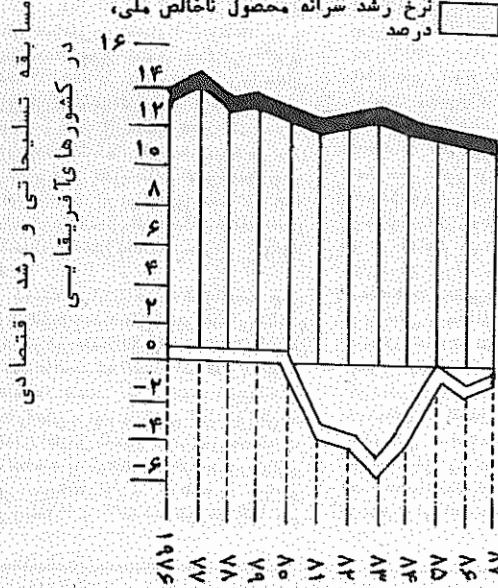
سپس مدحرب مسا بقه تسلیحاتی که بیش از ۱۵ میلیون تنفات جهانی داشته‌اند، تصادمات نظامی در قاره آفریقا<sup>۲۳</sup> موردنیزد و در برخی مناطق تابع ادامه داشته‌اند، امیریالیستها و مرتعیین برای تبدیل منازعات مزدی و سایر منازعات بجا مانده از زمان استعماله در گیریگاهی نظامی از همچگونه تلاشی مشایعه نکرده اند، آنها از این نظره نظر دولتی بر روی دولت دیگر میسازند، مذاهات نزدیک و تصادمات نظامی دوایی را تشویق میکنند و تصادمات را تحریک می‌نمایند. از این‌رو برای آنها راحتتر است که در شرایطی بثباتی و عدم متفقی برای پیشرفت، به صرف بیش از آفریقا تحمیل نشوند و آنها را تحت نگهدارن، مذاهات نزدیک و تصادمات نظامی و امیدوارد. ثانیاً افزایش هزینه‌های نظامی، کشورهای آفریقایی را بطور مذکور این‌روهای پرداخت از دستیاری به وامگیری و میدارد که نهایت‌های رشد دیده‌های خارجی آنها می‌انجامد، و ثالثاً در جوی نظامیکارانه، هدایت در امور داخلی کشورهای آفریقایی برای کشورهای امیریالیستی سیاست‌های تلاشی<sup>۲۴</sup> کشورهای اینها طرق تأثیر گذاری مسابقه تسلیحاتی بر او را کشورهای آفریقایی است، آنها مجبورند بر سریعاً فراموش مصارف نظامی را که بخش اعظم آن برای اقتصاد واردات سلاح صرف می‌شود، تحمل نمایند.

در زمانهای اخیر نزد رشد سالانه هزینه‌های نظامی کشورهای آفریقایی رویهم رفته به هفت درصد بالغ شده است، این رقم در برخی از کشورهای جنوب آفریقا به بالاترین ساخته جهانی ۱۵/۵ درصد - رسیده است. در سالهای مشتاد مصارف نظامی کشورهای آفریقایی بجهاد در بد بالاتر از نزد رشد محصول ناخالص ملی آنها بود. بدین معنی است که این تراشات شالوده‌های مادی اقتصاد کشورهای آفریقایی را از بین می‌برد و و استنگی نظامی - فنی و اقتصادی سیاستی از آنها به جهان می‌گیرد. سلام پیشتر در گیریگاهی پیشتر پیامد منفی هم مسابقه تسلیحاتی ایجاد صنایع جنگی خودی در بیش از ۳۵ کشور در حال رشد، از جمله کشورهای آفریقایی است. جننه منفی این پیده در این واقعیت نهفته است که سداوردهای علمی و تکنولوژیکی و تکنولوژی توین به برای تقویت پایه ای توپرفت اجتماعی و اقتصادی لذکه برای تولید سلاح مورد استفاده قرار گیرند.

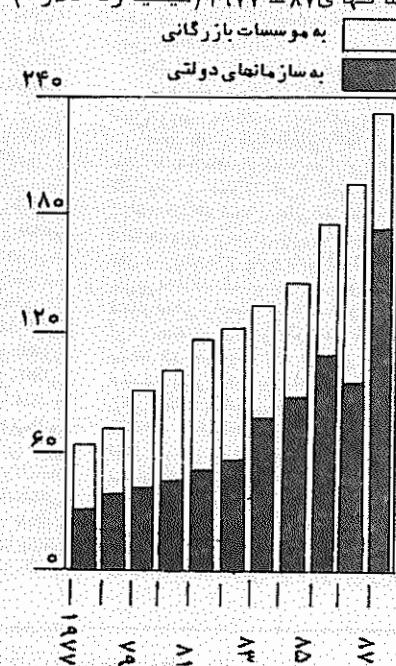
عملیات نظامی در گیر در جهان سوم نیز پیامد مسیتم نظامی کردن کشورهای در حال رشد است. مطابق داده‌های موجود، پس از جنگ جهانی دوم حدود ۱۶ در گیری ملی ثبت شده است.

ضرورت شکستن بن بست و پیشی از خصم‌ها اول کشور ایجاد می‌کند که بسیج نظامی لغو شود، ولی این نیاز با وضعیت نه منگ و نه مردم دو کشور و مردم متعلقه است. پایان این وضعیت به سود استقرار صلح پایدار می‌باشد. دو کشور از دو کشور است. این افراد می‌باشند که در وضعیت دشواری بسر می‌برند، قربانیان زنده جنگ کشند، و ادامه صرف نهادند، اینکوین سران هر دو روزیم اشکارا می‌گویند که در پی تقویت نیروهای مسلح خود مستند اسرائیلی هستند. آنها می‌باشند که در پی تقویت نیروهای خود دارند و شرطی آزاد دلار را جهت این کار صرف میکنند. علاوه بر آن این وضعیت باعث شده است که صدما هزار نفری که می‌توانند توانند از خصم‌ها در میان راه بارگذاری کشون صرف شود، مجنحان در بیرونی مسلح باقی بمانند و از آین طریق نیز میلاردها دلار برای نگهداری و تعمیر آنان هزینه شود.

مصارف نظامی (به استثنای آفریقایی  
جنوبی) (میلیارددلار)  
نزد رشد سرانه محصول تا خالص ملی،  
در صد



در سالهای ۸۷-۱۹۷۷ (میلیارد دلار)



خروج از این وضعیت شرایط آماده تراز گذشته است. وزیر اکره هر دوره ای احساس می‌رود، حفظیک کانون های تشنج پیش نمهدادشتن آتش ریز هاکستر به زبان مشکلات جدی روز و خواهد شد. دولت هراق اکنون بازسازی بصره و ناو را قاتر کرده است. در جمهوری اسلامی بیز از بازسازی مناطق جنوب و غرب کشور را صحت می‌داند، علاوه بر آن همچکدام از طرفین بیز این قدرت را راد خود احساس نمی‌نمند که یک جنگ دیگر را تتحمل کنند. شرایطیں المللی نیز مختلف ترازه در مرزهای دو کشور است. با توجه به عوامل فوق مخالف مخالف جنگ در مرد و کشور و در سطح بین المللی باید مردو رژیم را تحت شمار قرار دهنده که باشکستن بن بست ذکرات موافقند.

و در جهت کاوش کانون های تشنج پیش می‌رود، حفظیک کانون دلهره و هراس و نمهدادشتن آتش ریز هاکستر به زبان مردم دو کشور و مردم متعلقه است. پایان این وضعیت به سود استقرار صلح پایدار می‌باشد. دو کشور از دو کشور است. این افراد تنشی از بین رود. راه خروج از این وضعیت، پذیرش ترازدادهای ریزه به علاوه بر آن مذکورات دو کشور، تخلیه خاک ایران توسط عراق، قطعه بازیست تداوم رنج و درد صدر از دلار را جهت این کار صرف میکنند. علاوه بر آن این وضعیت باعث شده است که مذکورات، عملی قیمت انسانی و مکوم است. نیروی اکنون تواند از خصم‌ها در میان راه بارگذاری کشون صرف شود، مجنحان در بیرونی مسلح باقی بمانند و از آین طریق نیز میلاردها دلار برای نگهداری و تعمیر آنان هزینه شود.

بازسازی اقتصاد یمن زده در هر دو کشور ایجاد می‌کند که بسیج نظامی لغو شود، ولی این نیاز با وضعیت نه منگ و نه مردم دو روزیم اکمانی ایجاد میکنند. آنها می‌باشند که در پی تقویت نیروهای خود مستند اسرائیلی هستند. آنها می‌باشند که در پی تقویت نیروهای خود دارند و شرطی آزاد دلار را جهت این کار صرف میکنند. علاوه بر آن این وضعیت باعث شده است که صدما هزار نفری که می‌توانند توانند از خصم‌ها در میان راه بارگذاری کشون صرف شود، مجنحان در بیرونی مسلح باقی بمانند و از آین طریق نیز میلاردها دلار برای نگهداری و تعمیر آنان هزینه شود.

گذشته از محرکه های اقتصادی محرکه های سیاسی بسیار قوی لازم است. بدون فرمودن زمینه لازم برای ابراز وجود و اظهار نظر آنها و ایجاد امنیت قطعی برای آنان، بدون اصلاح سیستم های قانون گذاری و اصلاح ساختار سیاسی کشور بگونه ای که تنش و تأثیر مردم بر مدایت امور را کم کنند یا به آنها مشی حرب را زدایانه و اگاهانه مورد پیشگامی و حبایت فرار دهند، رفرم های اقتصادی تنقیح مطلوب بار نخواهند بود.

شئونیشن شهربزرگ چین را در بر گرفت.  
ها خواهان مذکوره با مقامات طراز اول  
کوئومت بودند و برای تحقیق خواستهای  
دو داهنگان مذکوره بودند.  
روز نامه مکری حرب، و آذوریاند  
بیر کل حرب در آن زمان، و خواجه مدهمن  
رسنی و دعوت داشجویان را برای  
موکراسی و قانونیت و مبارزه با فساد را  
تقدیم و از طرف حرب بررسی خواستهای  
نظرات منطقی و معقول داشجویان  
و عده دادند. اما سیر و قایع با اعلام

کویت نظامی تو سط رئیس دولت و  
صیم مقامات چینی به مقابله و سرکوب  
انشیویان دگون شد و تظاهرات به  
گاراژهای ملی همه نیزهای  
لامی به میدان تن آن میں صدها نفر  
شست شدن و تبلیغات و سیعی در حقایق  
رسکوب و اهدام سازمان دهنگان و  
کثایر و محاربات آنسته از رهبران  
زبی که موافق اعمال خشونت و سرکوب  
و دند، افراز گردید.  
محکوم کردن زائوریانگ به «ایجاد  
وهه ضد حریز و تعیین ارتش»<sup>۱۷</sup> و  
کثایر او، در حالیکه مهد شواده جاکی  
وجود اختلاف جدی رهبری حرب در  
بطله باخوه پیشتر اخلاصات و پرخورد  
مساله دموکراسی است، تاسف بار است،  
ن امر میین آن است که ریشه مشکلات  
ک نشده است، بی توجهی به مساله  
ایت مهم دموکراسی در حرب و  
سیاست، عدم توجه لازم به اصلاحات  
وکراتیک و اصلاحات در ساختارهای  
اسی و سیستم های تأثیرگذاری، مانع  
ی در راه مدرنیزاسیون سوسیالیستی  
بن ایجاد خواهد گرد.

اعتراضات دانشجویان که ابعاد توده  
و سیعی بخود گرفت زمینه هیئت داشت و  
بن وجود مشکلات احتیاطی و سیاسی  
چین بود، خواستهای آنها بنی بر  
زره با فساد و رشوی خواری، علیتی،  
وست و دموکراسی، قیر و اقتضی و  
ده طلنگه بنود، بحای سرکوب خشن  
شجویان، رهبران چین باید به بررسی  
و ریشه ها و چاره یابی ان تضادهای  
پرداختند که چنین اعتراض و سیعی و  
ترندهای را سبب شده است و برای حل  
که چینی می کردن، باید در ک  
شد که سرکوب راه قلبی بر مشکلات  
ست، برای قلبی بر مشکلات اقتصادی،  
کی شتاب بخشیدن به رفرمها در هر صه  
اصاد، اصلاحات سیاسی دموکراتیک و  
ل کردن مردم ضروریست، برای به  
ان کشیدن توده ها که بدور آنها هر  
آن و رفرم در زمینه اقتصاد معوق  
هد ماند، برای آنکه آنها مود را بطور  
کی در این اصلاحات سهمیم و شریک  
ند و بر شاههای خود آنرا پیش برند،

ر هبری حزب و نظام سوسیالیستی و سقوط جمهوری خان چین است <sup>۱</sup> این آشکارا فرا میخواهد: «سلط بر دست گیرید، دولت را سرنگون سازید»<sup>۲</sup>. در این نامه گفته شده است که «... از همین رو سرکوب قاطع شورش افری کاملًا صحیح است و با آزارها و ممانعت اساسی اهالی پایتخت و تمام خلق تطابق دارد»<sup>۳</sup>. اما سیر رویدادها مبنی چیز دیگری است. ظاهراً و اهتمامات داشجوئی در چین در واقع با انتشار خبر در گذشت هوایوانات دیبر ک سایق حزب گذاشت او نیز در سال پیش در هنگام ظاهراً داشجویان برای دموکراسی، با اتحادیتی حدوداً مشاهد اتفاقات ۱۹۴۷ یا زیان بر کتاب شد - داشجویان از همان ابتدا مبارزه برای دموکراسی و علیه فساد را هدف اعتضاد خود اعلام کردند. آنها از آغاز پایینی خود را به نظام سوسیالیستی مورد تاکید تuar دادند، داشجویان در شعارهای خود خواستار دیکراسی و آزادی مطابقات، سرفت بخشیدن و پیگیری اصلاحات، ایجاد هماهنگی بین اصلاحات سیاسی و اقتصادی، برقراری حکومت قانون و تصفیه حزب از هنوز ناسالم بودند. جنیش داشجوئی با حمایت وسیع مخالف روشنگری چین موافق شد و در تداوم خود حمایت بخشناکی از کارگران را جلب کرد. کارگران مطابقات رسمی و وزارتیه کاران کشور و پارهای از محاذل اجتماعی و سازمانهای دموکراتیک به حمایت از آنها پرداختند و سوی مددان یعنی آن من راهپیمایی کردند. پارهای از مخالف و سازمانهای اجتماعی با انتشار بیناییه ای از مقامات حکومتی خواستند تا خواستهای داشجویان را مورد توجه قرار دیند. حرکت داشجویان به مرور به نک جنیش وسیع برای اصلاحات سیاسی تبدیل شد و طی روزهای اخیر مطابقات چین خبر از ازدام تعداد بیشتری از مخالفان سیاسی دادند. مهمین تعدادی از شرکت کنندگان در افتراضات اخیر نیز به جمیع های سنگین محاکوم شده اند. علاوه بر آن کمینه مرکزی حزب کمونیست چین طی اجلاس دو روزه خود، <sup>۴</sup> اولویات دیبر کل حزب را برگزار کرد و او را مسئول اقتضای اخیر معرفی نمود. کمینه مرکزی اعلام کرد که <sup>۵</sup> اولویات های امنیت می باشد. این در باید مورد تحقیق و بررسی بیشتر قرار گیرد. مطابقات و مقامات چینی از امکان محاکمه دیبر کل سایق حزب صحبت می کنند و این را به سهل اتفاق در برخوردار با افتراضات داشجویان متمم می سازند. هدنت درین دیگر از مقامات بر جسته خوبی نیز از کار برگزار شدند، «موجی لی»<sup>۶</sup> دفتر سیاسی و مسئول تبلیغات حزب کمونیست چین بدلیل انکاکس «حباب نشده»<sup>۷</sup> اصطلاحاً در مطابقات و رسانه های کروماتیک رسمی، از جمله <sup>۸</sup> برگزار هدنه کان است. ربانی ژینینگ دیبر کل حزب کمونیست شانگهای توسط کیتیه مرکزی به مقام دیبر کلی حلی حزب کمونیست چین برگزیده شد، او در اولین سخنرانی خود اعلام کرد که سازمانهای دنگان ظاهراً و انتشارهای اخیر بشدت مجازات خواهند شد. کمینه مرکزی حزب کمونیست چین در تحلیل روزهای اخیر نامه ای انتشار داد. در این نامه اعلام شده است که <sup>۹</sup> «یش از یکاه است که آلتیتی افرادی با اهداف خصمده دست به آشوب میرند»<sup>۱۰</sup>; «طراحان و سازمانکاران این شورش ضد اقلاییاتی تندرو از افرادی مستعد که مدت هاست بر موضع لیبرالیسم بوزاری پای می فشارند و توطئه سیاسی می چینند»<sup>۱۱</sup> و «مدف شورش آنها نقی

## چین: تحوال اوضاع

استبداد آمودنی...، بقیه از صفحه ۲  
این باند و ابواب جمهوری آتست که در بطن خود تشید  
”جنت تقدت“ و تعقیق اختلافات و ممتازات را در پی  
خواهد داشت.  
بان ترتیب برخلاف تجزیی که در ظاهر دیده میشود  
وارثان قدرت حمیی، برای شیوه و تکمیل موظفیت  
خود، با دشواری کوچک و بزرگ، در تمام سطوح  
دست بکریان هستند. دشواریهایی که ایجاد ثبات  
سیاسی در جمهوری اسلامی توسط آنها را موضع جدی  
روزبر و میسازد.  
تضادی نیست که محتشمی، وزیر کشور علت تسریع  
برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و محمد پرسی قانون  
اساسی را ”تحکیم ثبات سیاسی کشور“؛ اعلام کرده  
است.  
اما در اینجا نیز شیوه ضد دمکراتیک، انحصار طلبانه و  
دیکتاتور منشاءه تبا تمجکوس بیار آورده و خواهد آورد.  
از ۸۵ کاندیدای شرکت در انتخابات ریاست  
جمهوری، برای خالی نبودن مریضه، تبعاً آدم کم اثری  
نظیر آنکه دکتر شبیانی اجازه یافته در میدان انتخابات  
رخ نباشد.

بیماران شیمیائی و حشیانه حلپچه و سایر مناطق کردنشین شیل عراق، سیاست کوچ اجباری کردی های عراق همچنین اعمال فشار و سرکوب کرد داده اند کردستان نسبت به مبارزه خلق کردار اینگخته و توجه بیش از پیش نسبت به سالانه کرد اجلب که داده است اکنون جیش خلق کرد می رود که جای مناسب خود را بمنابعه یک مساله بین المللی ببیند.

## به بر قامه های رادیو زحمتکشان ایران کوش فر ادھید

اسلامی باید بادآوری کرد که گرچه اساس سیاست رژیم نسبت به افغانستان همچنان پایه راست و این رژیم پلید همچنان مشی دخالت در امور داخلی افغانستان و تقویت اتماده بست گانه و تشکیل انتلاف و سیع نیروهای مذهبی علیه دولت افغانستان را دنبال میکند و سیاست تحریم آنرا ادامه میدهد، امانتهم تاثیر موامل گونگون محبور شده است که مذاکره در امور داخلی افغانستان را تا حدی تعديل کند در نتیجه عوامل فتو، خط مشی حل مسئله افغانستان از راه سیاسی در سطح ملی و بین المللی قوای پیشتری می باید و در سیاست کشورهای حامی اپوزیسیون به نحوی از احتمال نکشند.

دوره عزمه ای خیر، دوره از مون بزرگ مردم، حزب و دولت افغانستان بود، این آزمون شان داده اند افغانستان قادر است روی پای خود بایستد و محکم و استوار از برای تعریض دشمنان داخلی و خارجی دفاع کند و در چنین وضعیتی بهر می تواند از مساحت بین المللی در جمیت تحول مثبت اوضاع داخلی بصره بگیرد، همچنین ثابت شد که فشردگی صوف حزب تا جه اندازه برا بی پیش رفت سیاست مصالحه ملی اهمیت جیاتی دارد و پقدار مهم است که این فشردگی با اتخاذ تضمیمات شرکت دارند و در اندیشه حفظ و مستحکم شود، بلاوه بر این در این دوره دشوار اثبات شد که اتخاذ مشی مقاومت در برای تعریض اپوزیسیون در مقطع خروج قوای شوروی تا جه اندازه برا ایجاد فضای تازه و حفظ زمینه برای مشی مصالحه اهمیت جیاتی داشته است، اکنون باید از تجزیات اندوخته شده طی این آزمون در جمیت حل سیاسی مصطلح افغانستان بفرم گرفت، مباری دولت، حزب و مردم افغانستان در بصره کریز هوشمندانه این آزمون و از تغایر تازه ای که در افغانستان پیدا آمده است در جمیت حل مسالمت آمیز مسئله افغانستان آرزوی موقتی می کنیم، بزرگترین درس این دوره برا اپوزیسیون و همه کشورهای حامی آن اینست که مشکل افغانستان راه حل نظامی ندارد و اگر نیروهای واقع بین اپوزیسیون با این جمعیتی مجذوب شوند آنگاه در غواصی دیگر نیست که قرار داد ژن شالوده محکمی برا حل و فصل مشکلات کشورشان فراهم کرده و باید مناسبات خود بدولت افغانستان را بر آن شالوده استوار و تثبیت کند و به فوریت بر یکی از خونین ترین جنگهای داخلی تاریخ اخیر جهان نتقطه پایان بگذارند.

شهر سلیمانیه به مناطق عرب نشین جنوب عراق کوچ داده شده اند، مناطق حلپچه، خورمال، طولیه، بیاره، سیروان و...، بطور کامل از سنته خالی شده و کلیه منازل و باغات و مزارع مردم با خاک یکسان شده است.

تحربه شبان داده است که بیچ یک از رژیم های ارتتاحی چه در عراق، چه در ایران و ترکیه تاریخ دارد بوده و نیستند تا باقتل عام و سل کشی، یا پیش برد سیاست مستحکم کردن خلقها در یکیگر، بایماران شیمیائی و سرکوب فاشیستی چنین حق طلبانه و مبارزه عادلانه خلق کرد را خاموش کنند، ولی قم این ددمشی هاردم زجر کشیده و محروم بوده باخته مردم را خرب و شعر را با خاک یکسان کرده است، در این اقدام بی سابقه و فاشیستی تمام راهها و خطوط مرافقی، چشمی ما و متابع آب ناید شده اند، هزاران نفر از مردم منطقه به داده اند، بیشتر که های جیمه در سلیمانیه، اربيل، دهوك و مناطق کرکوک و گرمیان عملیات متعددی هیله ارتشدند سازمان داده.

سیاست و اقدام سرکوبگرانه مبنی بر کوچ اجباری مردم کردستان عراق از خانه و کاشانه خود، توسط نیروهای تریخواه سراسر جهان محکوم شناخته شد.

تشدید علیات، بقیه از صفحه آخر

نمی تواند نیست به این مساله بی تفاوت باشد، اخبار و پیغام رسانه های از سوی نیروهای تریخواه عراق حاکی از آنست که رژیم طی ماجراهی اخیر حدود یکصد و پنجاه هزار نفر از سکنه شهرستان "قلعه دیره" را که یکی از ده شهر مهم استان سلیمانیه بوده و از شهرهای تاریخی کردستان عراق از حساب می آید، همراه اسکنه روزهای اطراف آن به زور کوچانده و ساخته اند و مزارع و باغات مردم را خرب و شعر را با خاک یکسان کرده است، در این اقدام بی سابقه و فاشیستی تمام راهها و خطوط مرافقی، چشمی ما و متابع آب ناید شده اند، هزاران نفر از مردم منطقه به بیانه های واقعی دستگیر و عدمی از معترضین در ملاعنه تیرپاران گردیدند، ساکنان سیاری از روزهای اطراف کرکوک از محل سکون خود بیرون رانده شده و به جای آنها شایر عرب ساکن در نواحی "دبس" و "هویجه" را جاگیرین کرده اند، همینین صدھا خانواده از شهر کرکوک تبعید گردیده اند، ساکنان تعدادی از روزهای اطراف

افقانستان پس از آزمون بزرگ

بقیه از صفحه آخر

روزها مخالف قربی و پاکستانی تدارک و سعی دیده بودند که با استقرار دولت پیشاور در جلال آباد، تبلیغات گسترده ای را در حمایت از اپوزیسیون در سراسر جهان اغاز کنند و رام به رسیت شناختن دولت میزور را در میان جهانی اماده کنند، شکست نظامی اپوزیسیون در جلال آباد این نفعی خنثی کرد، همچنین اپوزیسیون را روی احتیمال کودتا در داخل حکومت و اختلافات درونی خوب نیز حساب باز کرده بود، اما با هوشیاری و احساس مسئولیت حرب، محاسبه فوق نیز اشتاهه از آب در آمد، شکست تاکتیک تصرف برق آسای جلال آباد، انتقام از صوف حزب، دولت و ارتش را از افزاش تبلیغاتی اپوزیسیون را در زمینه ملی و مذهبی از کف آن خارج کرد، در مین حال از آنچه که رهایی مذهب از خروج شوروی جلوه دهد، خروج توای شوروی سلاح تبلیغاتی اپوزیسیون را در زمینه ملی و مذهبی از کف آن خارج کرد، در مین حال از آنچه که بعده برداری میکردند تا خود را مدافعت اسلام و ناجی شد است، قرور و احساسات افغانی قلیه مذاکره کری پاکستان و سایر حامیان اپوزیسیون بر اینگاهی شده و طی ماهه ای اخیر روحیه مردم نسبت به حکومت و حزب در چهت مثبت متحول شده و پایه و نفوذ حکومت تقویت شده است.

تحولات نظامی چند ماه امیر، به تغییرات سیاسی مشتبی در داخل افغانستان و خارج آن انجامیده است، در داخل کشور، موقعیت دولت در میان مردم نسبت به گذشته تقویت شده است، اکنون دولت با اعتماده به نفس و قاطعیت سخن میگوید، همچنین صوف حزب دیگر اینکه حلق فشرده تر از سایت است، تعامیم معمی که توسط رهبری حزب در دوران آزمون عرماه اخیر اتخاذ شده به تحریم صوف رزموجوانه حزب مساعدت کرده است، از نظر سیاسی مهتمرین تصمیم، اتخاذ مشی مقاومت در بر بر تعریض بخش افزایی اپوزیسیون به منظور درهم شکستن این تعریض و میکندند از این دو معاشر ای اپوزیسیون پیشاور فلسطینی دارد، اما به او پست بی اهمیتی در دولت موقت داده شده است، محمدی نیروی کمتری در ائتلاف در اختیار دارد، اما از آنچه که بیش از دیگران مورد اعتماد آمریکا است، مقام ریاست جمهوری را احراز کرده است، سیاف طردار سعودی هاست، گیلانی طرفدار ظاهر شاه است و هر قدر از آن حمایت میکند، مقام او نیز در خود توجه نیست و عملا در جمیت تقویت دولت موقت در حال حاضر نیز بروزهایش که در اتفاق تدهار مستقرند در جلال آباد، نیز چندگاه بیش از سی ایام میگذرد و بیش از گرایش تقسیم شده است، بعضاً افرادی که به رهبری گلبدین حکمتیار عمل میکنند و بخش میانه روحیه که مجددی، گیلانی و فیروز انتاشکیل میدهند، بلاوه بر آن بین ائتلاف هفت گانه که در ایران مستقر است، ائتلاف جدی است، ائتلاف هفت گانه مکنی بر سنت ها و مهابی ها است و از حمایت پاکستان و هر بستان برخوردار است، در حالیکه اتحاد هشت گانه انتخابی مخالف حمایت جمهوری اسلامی است، جمهوری اسلامی مخالف شدید روی کار آمد و همچنان مادر افغانستان و خواهان دولتی با نقش جدی نیروهای شیعه وابسته به خود است، همچنین بین اتحاد هشت گانه و ائتلاف هفت گانه بر سر هم آن در دولت وقت ائتلاف و خود دارکه هنوز حل شده است، اتحاد خواهان سهم بیشتر است و ائتلاف از تامین آن، سر باز رده است، همچنین باید یادآوری کرد که بین فرمادهان محلی و دولت موقت پیشاور هم اختلافات مهمی وجود دارد، برعی از ترماندهان مهم محلی آن دولت را نایانده اپوزیسیون نمیگذرد و تصمیمات آن بپروری نمیگیرد، احمد شاه مسعود که نیروهایش در طول جاده سالنگ مستقر بستند، حاضر نشد در محاصره اقتصادی کابل از سیاست دولت موقت پیشاور پیشتبانی کند، بخش دیگری از لوزیسیون تحت رهبری ظاهر شاه است، در نتیجه این وضع، اپوزیسیون



# افغانستان

## پس از آزمون بزرگ

کلیدر  
آخری فروزان  
درآسمان ادب ایران صفحه ۷

### تشدید عملیات سرکوبگرانه وایدائی رژیم عراق در کردستان

مردم کردستان عراق روزهای دشواری را پشت سر می‌گذارند. برگزیر عراق با ناتنیه جنگ نیروهای سرکوبگرانه خود را متوجه کردستان کرده و نشست و سرکوب کرده اند. شدتی بی سابقه بخشیده است. تازه ترین و آخرین تصمیم صدام هفته کردستان آن کشور سیاست کوچاندن ایباری مردم بخش هایی از کردستان از خانه و کاشانه خودشان است. طبق قراری که حکومت عراق به تصویب رسانده است، تمامی روستاها و شهرهای مناطق مرزی محجور ایران و ترکیه تا عمق ۲۰ کیلومتری از سکنه تخلیه خواهد شد و این مناطق هم مناطق نظامی و امنیتی محسوب می‌گردد. دلیل این تصمیم ظاهراً تأثیر اینست که زیادی کشور و خطرات ناشی از دخالت های ایران ذکر کرده است. اما اصل قضیه این است که حکومت عراق با خلاصی از جنگ در پی تکمیل موقعیت خود در کردستان و سرکوب چشمی ملی در آن منطقه است. بدین منظور چون گذشته سیاست ایجاد رعف و وحشت و ایجاد غفار بر مردم برای تضییغ حمایت توهه ای و پشت مقدمه نیروهای ملی و مترقبی کرد عراقی بیشدت بی ساخته ای به پیش برده می‌شود. به این شیوه ملکات کردستان پیش از اینکه تحریب هزار و کوچ دادن این ایجادی مردم از محل سکونت شان اعدام مای بی سابقه جوانان در شهرهای کردستان و در انتظار همه، محاصره اقتصادی کردستان و دهها اقدام فیر انسانی و ایدائی دیگر ممکنی در خدمت چنین سیاستی است.

تحلیله مناطق مرزی کردستان از سکنه مجهشین با هدف تحریب پایگاههای اصلی احزاب و سازمان های سیاسی و مترقبی عراقی که بطور عمدی به دلایل استراتژیک در این نقاط استقرار یافته است، صورت می‌گیرد. دلیل دیگر مساله آنست که نیروهای انتقامی و ملی مترقبی عراقی که سالهای است غرب عراق به مبارزه مسلحانه مشغولند، از پشت عینه متروک شوند و امکان مانور در مبارزه نظامی، از آنچه ساخته شده است. رژیم صدام از اتحاد و یگانیت و مبارزه مشترک احزاب و سازمان های ملی و مترقبی عراقی و امده دارد. جبهه کردستانی عراق که عدهه ترین احزاب و سازمان های سیاسی، ملی-منطقه ای، و سراسری عراق-سازمانهای حرب کوئیست عراق، حزب دموکرات کردستان عراق، اتحادیه میهنی کردستان کردستان عراق و جنگ حزب و سازمان سیاسی دیگر - در آن حضویت دارند، رهبری مبارزه سیاسی و نظامی در مناطق شناختی کشور علیه حکومت را بر عده داشته و با تقدیر پیش می‌برد. اتحاد احزاب و سازمان های مهم بادشده در یک جبهه واحد ملی دیکتاتوری صدام، یکی از موقوفیت های ارزشمند نیروهای سیاسی اپوزیسیون در کشور همسایه بوده و از تحریه مبارزاتی فنی و درگ سیاسی بالای آنها سرچشمه می‌گیرد. این امر بنوی خود توطه های ترقه افکانه رژیم عراق را خشنی و مووضع و موقعیت نیروهای اپوزیسیون را در شرایط محسوس و دفعه ای کوتني تقویت کرده و میکند. حکومت عراق نظر به وضع داخلی خود،

بنده در صفحه ۱۱

از اتفاق هفت گانه وارد کنندویه ممین منظور مسافت مای زیادی بین ایران و پاکستان صورت گرفت. بعلت اختلاف در سهم شورای اتحاد در ترکیب دولت وقت و مجلس مشورتی، دولت وقت بدون شرکت شورا تشکیل شد. محال تجاوز کار در واشنگتن، پاکستان و عربستان استراتژی ای راطراحی کردند که مطابق آن قرار بود نیروهای وابسته به دولت وقت اپوزیسیون مستقر در پاکستان طی ۷۲ ساعت جلال آباد را تصرف کنند و دولت مزبور در آنجا مستقر گردد و حکومت دولگانه در افغانستان برقرار شود. برای پیش راندن این استراتژی، اسلحه غرب و حبابیت نیروهای مسلح پاکستان در اختیار دولت مزبور قرار گرفت و هرستان نیز آنرا به رسید شناخت. در پی این اندامات نیروهای اپوزیسیون با خروج قوای شوروی عمله سراسری به جلال آباد را آغاز کردند. حمله به جلال آباد، در اختیار گرفتن ولایتی نظری بامیان، گندوز، گرثار توسط اپوزیسیون مسلح، سین راه رسیدن آذوقه از شمال، سرمای سخت رهستان، گزنشی و اقدامات سیاسی، تبلیغاتی و نظامی قرب و اپوزیسیون، ممه و ممه فناشی از اضطراب و نکاری از آنده را در افغانستان پیداورد. بدین ترتیب افغانستان در ماههای اخیر است و میتواند منشأ تغییراتی در سیاست اپوزیسیون و نیروهای خارجی حاصل آن شود.

پیروزی علیه جدید دولت در منطقه ملل آباد، نقطه

تمویل در رویدادهای چند ماه اخیر افغانستان است. ماههای اخیر برای انتقالی و دولت و مردم آن کشور تحریه برزگ گذاشتند ولی با اینحال پاک کردن اطراف جلال آباد مهمترین رویداد نظامی -ساسی در افغانستان در طی حمله به جلال آباد، در اختیار گرفتن ولایتی نظری بامیان، گندوز، گرثار توسط اپوزیسیون مسلح، سین راه رسیدن آذوقه از شمال، سرمای سخت رهستان، گزنشی و اقدامات سیاسی، تبلیغاتی و نظامی قرب و اپوزیسیون، ممه و ممه فناشی از اضطراب و نکاری از آنده را در افغانستان پیداورد. بدین ترتیب افغانستان در فوق العاده دشوار و سرنوشت سازی بود. دولت، حزب دمکراتیک خلق افغانستان و مردم آن کشور تحریه برزگ و دشواری را از سر گزندند و رویدادهای کشور را در جهت خلاف پیش بینی های مخالف تباوی کار آمریکا و پاکستان و هرستان سعودی دیدند. اکنون این ماحال نیز به شکست تلاش هایشان و متحقق نشدن پیش بینی های اعتراف میکنند.

در رهستان گذشته در آستانه خروج قوای شوروی از

افغانستان، فرب جنگ روئی و تبلیغات گسترده ای را

کشیدند راه سانگ و جلال آباد نیروهای خود را بسیج کردند. اتحاد شوروی نیز بر قرار گردید روزگاری فضو ناتو تعطیل شد و کارمندان آنها، افغانستان را ترک کردند.

محور تبلیغات فربی ها سقوط دولت افغانستان طی چند ماه بعد از خروج نیروهای شوروی بود. پوشش کشورهای سوسالیستی نظری مغارستان و لهستان نیز

سفارتخانه های خود را تعطیل کردند. به موازات این اندامات و اشتگنی و دولت های وابسته به آن در منطقه، تلاطف شد و کارمندان آنها، افغانستان را ترک کردند.

آباد و سیعی را برای سرمه بندی یک دولت وقت از اپوزیسیون سازمان دادند. آنها سعی کردند که شورای اتحاد -پیش از اپوزیسیون که ایران مستقر است - را نیز در ترکیب دولت وقت و تحت هژمونی نیروی

روزهای سوم تا ششم روزه ای مسال مطابق با ۱۲ تا ۱۷

تیرماه ۱۳۶۸ سردمهین سیستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در پایتخت مجموعه دمکراتیک خلق کره انتخاب کرده عنوان محل برگزاری سیستیوال راضی نیوتن و برخی از آنها، بخصوص هیئت های شرکت گذشته از کشورهای اروپایی فربی در طی روزهای برگزاری سیستیوال نیز این نار ضاییتی خود را پنهان نمیکردند. با اینهمه، سیستیوال در مجموع بخصوص مراسم رسمی افتتاحیه و اشتغالیان باشکوه برگزار گردید.

این سیستیوال از نظر مبارزه ای که در بین شرکت گذشتهان جریان یافت، با سایر سیستیوال های متفاوت و متمایز است. در این سیستیوال طبق روال هرساله کمیسیون هایی جمعت بررسی مسائل تشکیل شد. این مسائل که مورد بررسی جوانان مختلف شرکت گذشته قرار گرفت، بیانات بودند از مسائل محیط زیست و خطراتی که هستی بشریت را تهدید میکند، مسائل مربوطه حقوقی جوانان و چگونگی پایمال شدن آن در بسیاری از کشورهای جهان، مبارزه ضد امپریالیستی جوانان و ...

بعثت پیرامون شعار مبارزه ضد امپریالیستی و شعار اصلی سیستیوال یعنی "مبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی" از داغ ترین بعثت های بود و حتی در مواردی به

جهه گیری نمایندگان کشورهای جهان سوم و کشورهای اروپایی در مقابل یکدیگر انجامید. شورای کمیته های

ملی جوانان اروپا پیشنهاد داشت که جمعت مدد

بنده در صفحه ۱۳

**سیزدهمین  
سیستیوال جهانی  
جوانان و دانشجویان**

**پیروز باد مبارزه خلق در راه سرفکونی رژیم جمهوری اسلامی!**

ادرس اتریش

P.10  
1091 WIEN  
AUSTRIA

حساب مالکی

AUSTRIA - WIEN  
BAWAG  
NR. 029 10701 - 650  
DR. GERTRAUD ARTNER